

مسافر از ^{cars} احسن

نشان محمد الحق حضرت جلوی

cal.c.275

Sl. no. 029460

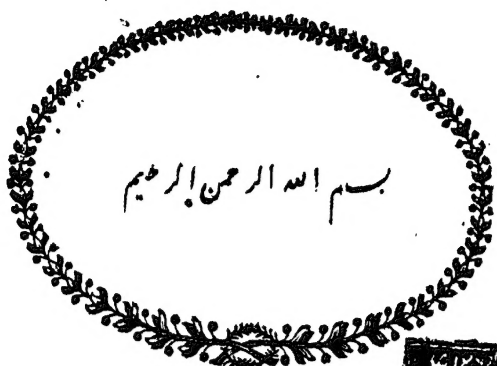


275

رساله‌ی تقدیم

خداوند علما، معین الفضل، المشهور فی الافاق
مولانا محمد اسحق دهاوی ادام الله تعالی جمیع فیوضاته
متر شمس طینا و علی جمیع المصلین سبی بار بعبق فی
ایمان سینه حید المصلین که تضمن است بر مسائل غربیه
وفوائد عجیبه از تولد شخصی ناموتش آنچه تعلق دارد به تحبیب
و تاذین و عقیقه و خان و نکاح و خطبه مسنونه در آن مقرون
به بیان سهره و غیره و شتاعت دیگر بدعات متعلق
بان با مسائل تجدید و تکفین باد که کتاب و سنت و اقوال
فقها معتبرین ز حمدیم الله تعالی اجمعین الی یوم
الدین درین رساله مرقوم و مسطور است بایستقام
عبد القعبف الراجی الی رحمته الله الغنی
فضل الحق عفی عنه ربہ القوی ساکن المحال
مدیر سہ طالیہ کائناتہ مطبوع

گشتہ و...



بسم الله الرحمن الرحيم



الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَجَبًا وَصَحْرًا
وَبَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ فَهُمْ يَكُونُونَ
أُولَاءِ بِذِي الْأَرْحَامِ عَرَبًا وَفُجَرًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَ
صَحْبِهِ وَبَارَكَ وَسَلَّمَ وَعَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ بِهِ مِنْ وَلَدِ الْجَنَانِ
وَبَنِي آدَمَ أَمَّا بَعْدُ فَمَنْ دَرَسَ سَنَةَ يَكُ مَرَّةً وَدَوَّصَدَ
وَنَجَّاهُ وَهَجَّ سَلَامَهُ خَانِدَانِ عَالِي شَانِ خَلَّاصَهُ دُودَمَانِ مُتَعَالِي
مَكَانِ مُحَمَّدٍ خَانِ نَمَانِ خَانِ وَلَدِ أَدَسِطِ مُحَمَّدِ بَا زَخَانِ مَرْهُومِ مَنُوطِ
بِهِ يَكُمُ بُولُورِ كَنَهْ أَتَرُولِي ضَلَعِ كُولِ عَلِيٍّ كَدَّاهُ دَارِ دِهَاهُ دَارِ الْخِلَافَةِ
شَاهِدِ مِهَانِ اِبَادَةِ دُشَمَنِ دِهَانِجِ مَسَائِلِ بِطَرِيقِ اسْتِغْنَا بِخُدْرَتِ



جناب مستطاب عند الفحص و التعمین قدوة العباد
والزاهدین مولانا بالفصل اولانا ابو سلیمان محمد اسحق
ابقاء الله علی رؤس اهل الحق والحقائق سبط مولانا مولی اکل
حضرت شیخ عبد العزیز محدث دہلوی غفر الله له
آوردہ اسد علی جواب با صواب مع نقل عبارت از
کتاب نمود و بندہ ضعیف کاتب الحمد و ف سید ابو محمد
جالسہ می عنما الله عنہ المبینات را کہ درین شهر از چند روز
مقبول بود برای تحریر و اظہار جوابات این احوال کہ معین فرمود
از انجا کہ جواب سوالات ما یمن بعد نظر بہ ایت و ارشاد
طریقہ سید المرسلین بر عالم ربانین فرض و واجب است
بحکم آیه کریمہ **وَاَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ** مولانا ممدوح جزاءہ اللہ
هَذَا وَعَنْ سَائِرِ الْمُتَشَرِّفِينَ مَدَائِمًا وَصَفَ الْحَقَّ عَوَازِضَ
جَسَامَانِي وَوَجَّهَ عَوَائِقِي وَحَانِي حَسْبَ سَوَالَاتِ طَائِلِي از
کتاب معبرہ تلاش فرمودہ بجواب آن مسائل پر داعت
و این خلاصہ کتب را برای دیگر مسلمانان محمدی ہم در دست

شادی و ما نم دستورالعمل ساخت پس این خادم
 اهل ایمان بموجب ایماشان پنج عوالات دیگر در آن
 افزوده بمسائل از بعین قی بیان سبزه سید المرسلین نام
 نهاد و الله الهادی الی سبیل الرشاد * مقدمه * در بیان آنکه
 بر همه مسلمانان لازم و واجب است که سنت آن حضرت
 صلی الله علیه و سلم و سنت خلفای راشدین و طریقته ائمه
 مجتهدین را که در کتب معتبره اهل سنت و جماعت
 موجود اند در یافت نموده در شادی و غمی جاری نمایند و از
 ملامت هر لایم باسک نهند چنانچه عباده بن الصامت صحابی
 رضی الله عنه می گوید که بایعنا رسول الله صلی الله علیه و سلم
 عَلَى الصَّغَرِ وَالطَّاعَةِ فِي الْعَصْرِ وَالْيَسْرِ وَالْمَنْشَطِ وَالْمَكْرَةِ
 وَعَلَى آثَرَةٍ وَعَلَى أَنْ لَا نَفَازَ إِلَّا مَرَاهِلَهُ وَعَلَى أَنْ
 نَقُولَ بِالْحَقِّ أَيُّمًا كَمَا لَا نَخَافُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَا تُؤْمِرُ
 و خلاف آنرا که از قسم رسوم جاهلیت باشد خواه بطرز
 شمرک و بدعت خواه بر درگاه و مدعییت همه را ممدود باید

بناخت * لَقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ تَمَسُّكَ بِسُنَّةِ
 خَيْرٍ مِنَ احْتِلَاثِ بِلِقَاةٍ * خصوصاً درین زمانه که سنت
 را بدعت و بدعت را سنت بلکه فرض و واجب میدانند
 و مانعین آنرا بدعت و انحراف بالقاب ناشایسته یاد می کنند
 درین صورت اخذ سنت و ترک بدعت را در هر
 صورت و در الهام ادلی و اقدم پندارند چنانچه آن حضرت
 صلی الله علیه و سلم نیز در حق کسانی که در چنین زمانه
 با وجود مخالفت اهل بدعت در ترویج امور سنت چست
 و چلاک اند و حد و مرز صد شهید فرموده گفت که *
 مَن تَمَسَّكَ بِسُنَّتِي عِنْدَ فُسَادِ أُمَّتِي فَلَهُ أَجْرُ مِائَةِ شَهِيدٍ *
 زیرا که شهید حقیقی چون یکبار در مقابله کفار بمقابله
 زخم تیر و شمشیر جان عزیز خود را با یک حقیقی می سپارد
 ثواب یک شهید می یابد و آنانکه در زمان غربت و بن
 وادان شهادت مفسدین تمسک بسنت آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم می کنند و بار بار بد فطن و دلاست

این مردمان بدکردار می گردند عوض آن هر یک را ازین
 خیر بیان ثواب عدت هبند خواهد رسید * ولنعمر ما قیل
 بست * زخم شمشیر جانستان نکنند * آنچه زخم زبان کند
 بر مرد * و این اصل سنت انبیاء ائمت علیهم الصلو
 والتسلیمات چنانچه در حدیث شریف آمده * قَالَ
 عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ أَشَدُّ النَّاسِ بَلَاءً إِلَّا نَبِيَّاءُ
 ثُمَّ إِلَّا مَثَلٌ فَلَا مَثَلٌ * هر کس رضای مولی از هر
 ادلی دنیا و دوزی چند آخر کار با خداوند پس اتباع سنت
 آن حضرت صلی الله علیه وسلم قولا و فعلا خدیب حصول
 رضامندی خداست عزوجل و موجب دخول جنت بوجه
 اکابر * ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ * اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا
 مِنْهُمْ و انکار سنت وی همچنین مورد سخط و عبار است و
 باعث دخول نار * رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلُ النَّارَ فَقَدْ
 أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ * فَلَا تُجْعَلْنَا مِنْهُمْ *
 قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلُّ امْتَحَنٍ يَدْخُلُونَ

الْجَنَّةِ الْأَيْمَنِ أَبِي قَيْلٍ أَوْ مِنْ أَبِي قَالَ مَنْ أَطَاعَنِي
 دَخَلَ الْجَنَّةَ وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أَبَى * رواه البخاري
 و اطاعت رسول عليه الصلوة والسلام عین اطاعت خدا
 است جلّ وعلی قان الله تعالی من یطع الرسول فقد
 اطاع الله ومن تولی فما ارسلك علیهم حفیظاً بنا
 آمناً بما انزلنا واتبعنا الرسول فاکتبنا مع
 الشاهدين * اکنون بعد تمهید مقدمه در سید و تحقیق
 سائلان مذکوره آغاز نموده شد * فاسأل الله العوذین
 فی هذا الحقام و به استعین فی کل مرآم * چه می فرمایند
 علما دین و مفتیان شرع بمن آن درین سائل مفصله
 ذیل بینوا توجروا * سئله اول * وقت تولد طفل که
 در هر دو گوش دی اذان و اقامت می دهند واجب
 است یا سنّت یا استحباب و اگر نامش محمد یا احمد نهند
 درست است یا نه * جواب استحباب اذان و اقامت
 در هر دو گوش مولود سنّت رسول الله صلی الله علیه

و سلم ثابت است زیرا که در صحیح ترمذی و سنن
 ابی داود و از ابو رافع رضی الله عنه آمده که گفت دیدم رسول
 خدا را صلی الله علیه و سلم که اذان داد در گوش حسن بن علی
 رضی الله عنهما و ثبکه زاد در افاطره و رضی الله عنهما و در منجناح
 النبیما بصریح آورده که هرگاه بیند اشده هر یکی از حسن بن رضی
 الله عنهما اذان داد نبی صلی الله علیه و سلم در گوش راست
 وی و اقامت فرمود در گوش چپ وی و در سند ابو یعلی
 از امام حسین رضی الله عنه می آرد که بگوید بیدار شوید ای
 وی و لدی پس اذان دهد در گوش راست وی و
 اقامت کند در گوش چپ وی ضرر نکند او را مرض
 ام الصبیان هکذا فی الجامع الصغیر بلحیوطی •
 و نام نهادن با اسم محمد یا احمد مستحب است چنانچه در
 صحیح بخاری و صحیح مسلم وارد شده که فرمود پیغمبر خدا
 صلی الله علیه و سلم نام نهید بنام من و در سنن ابی داود
 آمده که نام نهید بنام پیغمبران یعنی ابراهیم و موسی

و عیسیٰ مناد و دیگر جامع صغیر سیوطی از عبد الله بن عباس
 رضی الله عنهما وارد شده * مَنْ وَلَدَ لَهُ ثَلَاثَةَ اَوْلَادٍ فَلَهُ يَحْيٰى
 اَحَدُهُمْ بِاسْمِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ جَهَلَ * رواه الطبرانی فی الکبیر
 و ابن عدی فی الکامل حاصل این حدیث آنست که هر که
 ویراسه پسر پیدا شوند و نام یکی را هم بنام آن حضرت صلی
 الله علیه و سلم نه نهند ازین برکت محروم ماند * مسئله
 دوم * موزن را که در گوش پسر یا دختر اذان میدهد
 شبیر بنی یا نقد دادن جائز است بانه * جواب اذان
 دادن بگوشن مولود از حدیث همین قدر ثابت شد
 که بزرگ خاندان مولود اذان و اقامت گوید و اگر کسی
 دیگر غیر بزرگ وی اذان دهد نیز جائز است برای
 ادای سنت پس نقد و شبیر بنی ویرابد نهند یا نه نهند
 زیرا که پیش کش نمودن حضرت فاطمه رضی الله
 عنهما چیزی از نقد و جنس بخد مت آن حضرت صلی الله
 علیه و سلم منقول نیست ظاهر ا دادن چیزی درین حال

مستحق از باب خبر باشد بشرطیکه درین صفت زبیم
 نگردد * لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا * و اگر کسی به
 نیت اجرت اذان بدهد پس گرفتن اجرت در اذان
 جائز نخواهد شد چنانچه علما گفته اند اذان دادن در گوش
 مولود از قسم عبادت است و اجرت گرفتن و دادن
 بر عبادت موافق اصل قاعده هفتم در ست نیست *
 هكذا في الهداية و شرح الوقاية * و نص صریحت اجرت
 بر عبادت آیه کریمه * إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ *
 است و مستحب برای اذان و اقامت مولود آواز است
 که ویر را بعد غسل در خرقه پاک پیچیده اذان و اقامت در
 بر دوش وی دهند و در وقت گرفتن کلمه حی علی الصلوة و حی
 علی الفلاح روی خود را بگردانند چنانچه وقت اذان نماز می
 گردانند و نیز تخنیک مولود از غرما مستحب است چنانچه
 در حدیث صحیح وارد شده * عَنْ عَائِشَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُؤْتِي بِلِصْمِيَانِ فَيَمْرِكُ

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ * ذوالحججه مصلی و مراد از خنیک
 خائیدن تمر و مالیدن آنست بخنیک مولود و هم چنین هر
 و جز شیرین در حکم شمر است برای خنیک مولود و لیکن
 تمر افضل است * بنیله سوم * بعد تولد شدن بسر
 دستور است که حجام باهل فراغت مولود مبارک بادی
 می دهد و ایشان بمقابله آن حجام را چیزی از قسم پاره
 و نقدی میدهند این دستور جائز است یا نه * جواب
 ظاهر ادا دادن پاره و نقدی در مقابله نهیست این حجام
 را جائز است زیرا که دادن این چنین وقت بطریق
 انعام بشارت و هدیه را از صحابه آن حضرت صلی الله علیه
 و سلم هم ثابت شده چنانچه عطا نمودن مایوس خاص بمبشیر
 از کعب بن مالک صحابی رضی الله عنه در وقت تولد توبه
 وی وارد شده کذا فی صحیح البخاری و غیره لیکن دعوی
 مبشیر بر مبشیر له بدست آوردن دستور چیزی در شمرع
 شریف ثابت نیست بلکه دادن چیزی در این چنین

وقت از قسم بمرع است * وَلَا جَبْرَ عَلَيَّ الْبَشِيرِ
 کذا فی کتب الفقہ * اما چو مبشر آنوقت برگهای گاه
 سبز را پیش کرده تهنیت نماید چنانچه رسوم کفار
 هند است درین صورت ویرالاعلام و زجر می باید نه دادن
 انعام و اجر و الله اعلم * سئله چهارم * رسم جهوه چکاک
 که در هند وستان مروج است یعنی بعد تولد شدن
 مولود از طرف نانهال دی بنس غله و پارچه و نقبه او حال
 می نمایند جائز است یا نه * جواب فرستادن جنس
 غله و غیره از طرف نانهال مولود و گرفتن آن بوالیان
 دی اگر به نیت صله رحم باشد جائز است زیرا که آن
 حضرت صلی الله علیه و سلم در وقت حاجت جدید
 خبرگیری حضرت فاطمه رضی الله عنهما می فرمود بحکم آیه کریمه
 * وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ * پس ابصال نفع
 باقاراب بی قید رعایت رسم اگر مروج اهل هند
 است بشرط متدور و عدم استتراض از قسم خبر

است برای دلیل جو از این چنین امر خیر آید که بید *
 وَ أَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * است و اگر به
 نیت ادای رسم جمالت باشد جائز نیست که در آن
 نیت بر رسم هندو لازم خواهد آمد و آن درست نیست
 قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ *
 * مسئله پنجم * عقیقه مولود روز هفتم اگر بکند ام عذر شدن
 نتواند تا چند مدت جائز است و موسی شمر مولود را در نقره
 و یا طلا وزن کرده به حجام وادن در پست است یا نه
 و گوشت عقیقه را بکند ام هیچ تقسیم کنند و سه دایه های
 او را بکسی دهند یا همراهِ پوست و غیره و در زمین دفن
 نکنند و استخوان او را بشکنند چنانچه استخوان اضحیه را می شکنند
 جائز است یا نه * جواب عامی حقیقه با استحباب عقیقه رفته اند و
 گفته اند که اگر حقیقه مولود روز هفتم نشود روز چهاردهم
 باید کرد و اگر آن روز هم نشود بروز بیست و یکم از
 روز تولد کنند و اگر بیست و یکم سنی و افلاس آن روز

هم نشود فرض و واجب نیست که برای آن بار فرض
بر کردن خود گیرد و موی سر طفل را با نقره وزن کرده
به محتاج دادن نیز مستحب است و دادن آن بلاق
در حساب اجرت وی خلاف امر تصدق است و
وزن کردن موی سر آن مولود را بطلا هم برای کسانی که
ذی مقدمه در و مشمول اند جائز است و دفن کردن آن
مولود در زمین مستحب است * کذا فی الطیبه شرح

المشکوۃ * پس باید که هر کس بر نیت استیجاب
ابن ذبیح بکند * قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
الْغُلَامُ مَرْتَهَنٌ بِعَقِيقَتِهِ تُذَبِّحُ عَنْهُ يَوْمَ السَّابِعِ وَيُسَمَّى
وَيُحْلَقُ رَأْسُهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابُو دَاوُدَ
وَالنَّسَائِيُّ * ودر عقیقه مولود اولی و افضل آنست که برای
طفل مذکر دو بر ذبح کنند نر باشند یا ماده و اگر برای
کفایت یک بر ذبح کنند نیز جائز است و برای
طفل انثی یک بر ذبح کنند و نر و ماده در حکم عقیقه برابر

است و اگر بیش و دهنه ذبح کنند آنهم جائز است و نفقه میم
 آن بعد ذبح باین نهج مستحب است که سر آن ذبیحه
 را بجلایق دهند و یک ربان او را بپایانده بعد از آن گوشت
 آنرا سه حصه کنند خواه به تخمین خواه بوزن پس یک
 حصه را از آنها به فقرا و مساکین دهند و دو حصه بای را
 برای خوردن اقارب و همسایه تیار کرده پیش شان
 نهند * كَمَا قَالَ الْعُلَمَاءُ حُكْمُ الْعَقِيقَةِ حُكْمُ الْأُضْحِيَّةِ *
 پس در این صورت خوردن گوشت آن مادر و پدر
 و جد و جد و رانیر جایز است * وَالْمَشْهُورُ خِلَافُهُ فَلَا أَصْلَ
 لَهُ فِي الشَّرْعِ وَلَا تَكْسَرُ عِظًا مَهَا تَفَا وَلَا وَإِنْ كَسَرَتْ
 فَلَا بَأْسَ بِهِ لِأَنَّ الْأُضْحِيَّةَ تَكْسَرُ عِظًا مَهَا كَذَا فِي كِتَابِ
 الْفِقْهِ * و دفن کردن اجزای عقیقه در زمین جائز نیست
 * لِأَنَّهُ إِضَاعَةُ الْمَالِ وَهِيَ لَا تَجُوزُ عِنْدَ أَهْلِ الشَّرْعِ *
 و پاهای عقیقه را اگر نابج سبدا نند بجلایق دهند و الا در
 استعمال خود در آرد و پلوست او را بعد و باخت

در استعمال جلد کتاب در آرد یا تصدق نماید و دعا بگوید
 در کتب فقهر قوم است و آنرا وقت زج عقیقه می خوانند
 این است * اَللّٰهُمَّ اِنْ هٰذِهِ عَقِيْقَةُ ابْنِيْ فَلَانٍ دُمُهَا
 بِدَمِهِ وَلَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهِ وَجِلْدُهَا بِجِلْدِهِ
 وَشَعْرُهَا بِشَعْرِهِ اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْهَا مِنِّيْ وَاجْعَلْهَا فِدَا لِّابْنِيْ
 مِنَ النَّارِ * سئله ششم * کتب اطفال که در عمر چهار
 سال و چهار ماه و چهار روز و چهار کهری مقرر کرده
 اند اصالح چینیست جائز است یا نه * جواب کتب
 اطفال که در هند رائج است باین کیفیت از اصول
 شرع که کتاب و سنت و اجماع است و قیاس مجتهدین
 سابقین است ثابت شده پس در کتب اطفال
 اهتمام و سعی مثل اهتمام و لایم نکاح کردن نمی شاید
 مگر آن قدر که ثابت شده این است که چون طفلی از
 اولاد عبدالمطلب گویا می شد آن حضرت صلی الله علیه
 و آله در آن کلمه توحید و آیه * قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ

لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا إِلَىٰ آخِرِ السُّورَةِ * نَعْلَمُ مِمَّا فَرَمُوا وَجَنَانِهِ
 ذُرْكَاتٍ جِصْنِ حَصِينٍ وَغَيْرِهِ مَرْقُومٍ اسْتَوْكُو بِلِي طِفْلٍ
 رَاحِدِي وَصَنِي مَقَرَّ ذِيَمَتٍ بَعْضِي دَرْدُوسَالٍ وَبَعْضِي دَر
 كَمِ دَر بَادِه گویا می شنود * وَقَالَ الْعُلَمَاءُ إِذَا تَطَلَّقَ لِحَانُهُ
 لَقِنَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي الْخ
 وَ إِذَا بَلَغَ سَمْعُ مَنِينٍ خُتِنَ وَلَا يَنْبَغِي أَنْ يُؤْخَرَ عَنْهُ وَأَمْرُ
 بِالصَّلَاةِ تَلَا رِيبًا كَمَا جَاءَ فِي الْحَدِيثِ يَصُورُ وَأَصْبَحَ نَكَمٌ
 بِالصَّلَاةِ إِذَا بَلَغُوا أَصْبَحُوا الْحَدِيثُ * وَدَر شَرْحِ شَرْعِهِ
 الْأَعْلَامِ مِي نَوِيسَد كَمِ بَرَايِ مَكْتَبِ اَطْفَالِ كَمِ چَهَار سَال
 وَچَهَار مَاهِ دُجَاهِ دَر مَقَرَّ رُكُوه اند بَعْضِي وَر تَوْجِيهِ آن
 مِي گويند كه چون شوق صدر آن حضرت علي عليه السلام
 اول بار نشده بود سن شربعت آن حضرت صلي الله
 عليه و سلم آنوقت بهمين قدر رسیده بود بعد از آن
 مینویسد * وَالْمَشْهُورُ أَنَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
 كَانَ لَهُ حِينَئِذٍ ثَلَاثُ مَنِينٍ * پس از نقل این

حصول مشهور توجیه اول ضعیف گردید * فصیحاً ان هذا
 القومیت لا اصل له فی الشرع * سماء هفتیم * تقسیم
 شیرینی و طعام بعد کتب در مردمان برادری جائز است
 بانه * جواب در شرع شیرین وقت فرحت و سرور
 را بعد حصول نعمت قرار داده اند چنانچه طعام و لقمه بعد
 نکاح و عقیقه بعد تولد و هر موقع حصول نعمت را محل سرور
 ساخته اند پس وقت کتب تقسیم شیرینی و طعام
 مسنون نیست مگر آنکه این تقسیم درین وقت از قسم
 مباح باشد شرطیکه در آن تفاخر و ریاضت جمعه و لذت
 امر منوی نباشد و الا کار و خواهد گشت و حضرت عمر
 رضی الله عنه بعد آموخن سوره البقره شیر را خیر نموده
 دوستان خود را خورانیده بودند چنانچه در تفسیر فتح العزیز
 مذکور است پس ازین روایت معلوم گردید که فرحت
 نمودن بعد حصول نعمت خصوصاً نعمتی دینی و خوراندن
 طعام و تقسیم شیرینی و غیره بدوستان جائز است

لذا اینجا است که در بابا (شرقیه و غیره بعد خاتم قرآن
 بشیر یف تقسیم طعام و شیرینی و غیره نموده فرست
 می کنند و آنرا شرمه بفتح نون و سکون شین ترجمه میگویند
 جائز و مباح بلکه مستحب است و از بن قبیل است
 فرست نمودن بر دزد فراغ از تحصیل مالوم * وَاللّٰهُ عَلٰی مَا نَقُولُ
 وَكِفٌ * مسأله هشتم * در ختنه طفلان و در گوشواره
 و خیران تقسیم شیرینی و طعام میکنند جائز است یا نه
 * جواب در شاهی خان طفلان دعوت نمودن و تقسیم
 طعام کردن جائز بلکه مستحب است چنانچه شیخ عبدالحق
 در شرح عربی مشکوه شیر یف نوشته همچنین اگر
 تقسیم بشیرینی کنند نیز جائز و مباح خواهد شد
 و در وقت نقب گوش و خیران تقسیم طعام و شیرینی
 و در کنای از نظر نگذشته ظاهر از رسوم اهل هند
 باشد و در کتب فقه مثل در مختار و غیره همین قدر
 مرقوم است که * لَا بَأْسَ بِتُقُقِیْ اُذْنِ الْطِفْلِ مِنَ الثَّمَنِاتِ

لَا تَعْمَرُوا كُنُوزَ الْأَعْمَلُونَ ذَلِكَ فِي زَمَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ بَحِيرِ الْأَنْكَارِ * انتهى و در نصاب الاحتمساب باین عبارت آمده که * لَا بَأْسَ بِتُحْقِبِ أَذُنَ الْوَلَدِ مِنَ الْوَلَدِ وَالنِّسَاءِ وَفِيهِ دَلِيلٌ عَلَى أَنَّ تَحْقِبَ أَذُنِ الْوَلَدِ مِنَ الْوَلَدِ كَوَرِ كَوْرُهُ فَتَحْتَسِبُ عَلَى مَنْ فَعَلَهُ * انتهى * مسأله نهم * وقت ختنه طفلان را نوشانیدن و دای سکر و جانبسن در دست دپای صغیر از ذکر جائز است بانه * جواب نوشانیدن و دای سکر طفلان نه بائغ را از ذکر باشند * باانات مرام است چنانچه مردان بالغین و زنان بالغات و احرام شده است و جانبسن در دست دپای طفل صغیر از ذکر مرام است * لِأَنَّهُ فِي حُكْمِ الرَّجُلِ الْبَالِغِ وَهُوَ عَلَيْهِ حَرَامٌ * و در دست دپای طفل صغیر از اانات استعمال همانندی جائز و مباح است چنانچه زنان بالغات را اجائز و مباح بوده است * کما فی نصاب الاحتمساب و لا ینبغی أَنْ تُحْتَسَبَ يَدُ الْعَبْدِ وَرِجْلُهُ بِالْحِنَاءِ وَبِحَرَمِ هَلِي

الصَّيِّئِ شُرْبُ الْخَمْرِ وَآكُلُ الْفَيْسَةِ وَالْأَثْمَرِ عَلَى الَّذِي
 مَقَّاهُ وَآكَلَهُ * و در حدیث شریف آمده که * الْخَمْرُ مَا حَامَى
 الْعَقْلَ وَبَيَّرَ كُلَّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ * دارد شده پس چهره که مردان
 بالغین را جائز است صبیبه نابالغ را نیز جائز است و چهره که
 زنان بالغات را جائز شده است صبیبه نابالغ را نیز جائز خواهد
 شد و چهره که مرد و را مباح نشده است صبیبه نابالغ و صبیبه
 نابالغ را نیز مباح نخواهد شد و استعمال و دای مسکر
 مردان بالغین و زنان بالغات را مطلقاً حرام است پس
 صبیبه و صبیبه را نیز بابت بیعت شان حرام شده * سَيِّئِ
 بَيِّنَةٍ * سُنَّةُ دَهْم * پوشانیدن زیور و حریر با طفلان
 صغار که تخیر مکلف اند جائز است بانه و اگر زنان
 با اجازت مردان از نزد خود ماز یور و لباس حریر با طفلان
 ذکور بهر پوشانند درست است بانه * جواب پوشانیدن
 زیور و حریر ذکور صبیان را انکار شده است * كَمَا قَالَ فِي
 الْهُدَايَةِ وَ يُكْرَهُ أَنْ يُلْبَسَ الَّذِي كُرِّهَ مِنَ الصَّيِّئَاتِ

الذَّهَبَ وَالنَّحِيرَ لَا نَ الْتَحْرِيرَ لِمَا نَبِتُ فِي حَقِّ الذَّكُورِ
وَحَرَمَ الثَّمَسُ حَرَمَ الْإِلْبَاسِ كُلَّ لُحْمٍ لِمَا حَرَمَ
شَرِبُهُ حَرَمَ سَقِيهِ * وَاِنْصَادِرُهُ اِيضاً مَوْجُودٌ اسْت * وَلَا يَجُوزُ

لِلرَّجَالِ التَّحْلِي اِبَا الذَّهَبِ لِمَا رَوَيْنَا وَلَا بِالْفِضَّةِ لِانَّمَا
فِي مَعْنَاهُ * اَنْتَهَى * وَفِي نَصَابِ الْاِحْتِسَابِ نَا قَلَاعُنْ
فَرَحِ الطَّحَاوِي الْكَبِيرِ وَيَكُونُ لِبَاسُ التَّحْرِيرِ لِلرَّجَالِ
وَالصَّبِيَّانِ مِنَ الذَّكُورِ وَكَذَلِكَ الذَّهَبُ وَالْفِضَّةُ اِيضاً فِيهِ
وَيَكُونُ لِلذَّكُورِ الصَّغَارِ التَّخْلُصَ لَهُوَ الْحَوَارُ * اَنْتَهَى * وَاَكْمَرُ
زَمَانِ اَزْمَرُ دَخُوهُ بِنِ اجازت مردان ذكور صبيان را

زبور و حریر را از ایشان انتم اع نماید زیرا که از اله
مکر مکرور است * قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ
رَأَى مِنْكُمْ مُتَّكِرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بَيْتَهُ إِلَى آخِرِ التَّحْدِيثِ كَذَا فِي
الْمَشْكُورَةِ * وَاَلَا هَرْدُ شَمَبِكْ گناه خواهند شد مردان را
مکرده در بن مقام مکرده تخمر می است نه تنزی می * فافهم

* سئله یازدهم * دستور است که جهت مقرر ساختن
 یوم نکاح نقد و چهار چاه از خانه عروس بدست حجام و باد
 فروش بقیمت تاریخ و یوم نکاح بخانه نوشته میرود و عوض
 آن نقد و غیره بحجام و باد فروش از خانه نوشته میدهند
 جائز است بانه * جواب اگر بجزئی از خانه نوشته
 بطریق انعام حجام و باد فروش را بدهند جائز است لیکن
 حجام و باد فروش را بدست آوردن دستور مجرد اگر چه
 بر گرفتن آن نمی رسد چرا که دادن انعام وقت ضرورت
 از قسم تبرعات است * وَلَا جَبْرَ فِي التَّيَمُّعَاتِ كَمَا
 صَرَّفَ فِي الْمَصْئِلَةِ الثَّالِثَةِ مِنْ خُلَاصَةِ كِتَابِ الْفِقْهِ * سئله
 دوازدهم * ساختن طعام و لبره برای مردمان برادری و
 غیره قبل از نکاح جائز است بابت بعد از آن و اگر
 بکدام حد بعد از نکاح طعام و لبره کنند تا چند روز در دست
 است بانه * جواب سنت در طعام و لبره بعد از
 عقد نکاح است پیش از عقد نکاح خوراندن طعام

بنوعی نیست پس در خوردن طعام قبل از عقد
 ادای ضمت نشد * قَالَ زَيْنُ الْعَرَبِيِّ حَاشِيَةُ الْمَشْكُوتِ
 إِنَّ الرِّيشَةَ يَكُونُ بَعْدَ الدُّخُولِ وَقِيلَ مِنْهُ الْبَعْدُ وَقِيلَ
 هُنَا هَمَّا * اینها ازین عبارت معلوم شد که ولیمه طعامی
 را گویند که نزدیک عقد نکاح یا وقت دیگر سرور
 بطریق شکر نعمت تبار شود و آنچه مروج است که بعد
 عقد نکاح و الیایان عروس بهر دمان برات طعام میدهند
 آن هم بطریق ضیافت جائز است بشرط طوآن از
 منکرات اهو و تغنی و غیره * قَالَ الْأَمَامُ مُحَمَّدٌ بْنُ الْفَزَّالِيِّ
 فِي كِتَابِهِ أَحْيَاءُ الْعُلُومِ فِي بَيَانِ مُنْكَرَاتِ الضِّيَافَةِ
 وَمِنْهَا سَمَاعُ الْأَوْتَارِ وَسَمَاعُ الْقِيَمَاتِ وَمِنْهَا اجْتِمَاعُ
 النِّسَاءِ عَلَى الْمَطْمِ تَنْظُرَ إِلَى الرِّجَالِ مَهْمَا كَانَ فِي الرِّجَالِ
 شَابٌ يُصَافُ الْفَتْنَةُ بَيْنَهُمْ فَكُلُّ ذَلِكَ مُحْتَرَّمٌ وَمُنْكَرٌ يَجِبُ
 تَغْيِيرُهُ وَمَنْ عَجَزَ عَنْ تَغْيِيرِهِ لَزِمَهُ الْخُرُوجُ وَلَمْ يُجْزَلْهُ
 الْجُلُوسُ فَلَا رُخْصَةَ فِي الْجُلُوسِ فِي مَشَامِدِ الْمُنْكَرَاتِ

* انتهی اما اجابت نمودن برای طعام و لیمه و خوردن آن
 طعام جائز است باین سنت بشرطیکه آنهم خالی از منکرات
 شرعی و عاری و از مداخلات شرکیه باشد و الا خوردن آن
 نیز جائز نخواهد شد بلکه اگر از سابق معلوم کرده باشند که در
 آن مجلس اسباب منکرات جمع شده اند از رفتن آنجا اجتناب
 نمایند من جمله اسباب منکرات آن طعام دعوت
 اغنیاء و ترک فقراء و ساکنین است * قَالَ رَسُولُ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شَرُّ الطَّعَامِ طَعَامُ الْوَلِيمَةِ يُدْهِى
 لَهَا الْأَغْنِيَاءُ وَيَتْرَكَ الْفُقَرَاءُ وَمَنْ تَرَكَ الدَّعْوَةَ عَصَى اللَّهَ
 وَرَسُولَهُ * و این حدیث در صحیح بخاری و صحیح مسلم
 موجود است کذا فی المشکوٰۃ پس آن دعوا اگر مقتدی
 است و قدرت منع آن از دست باز بماند و در دکرده
 بنشیند و سنت و لیمه که اجابت دعوت است ادا کند
 و اگر حامی است و قدرت منع برای منکرات آنجا نمیدارد
 پس اگر نشیند بخورد جائز است زیرا که اجابت

و محو ث سنت است و عامی را انسی و سزا که بوجوه
 بدعت سنت و ترک نماید چنانچه در شرح و قایم مرقوم
 است * اَعْلِمُوا أَنَّهُ لَا يَحْضُرُونَ إِلَّا أَنْ يَعْلَمَ قَبْلَ الْحُضُورِ أَنَّ
 هُنَاكَ لَهُمْ أَلَّا يَجُوزَ الْحُضُورُ وَإِنْ لَمْ يَعْلَمْ قَبْلَ ذَلِكَ
 لَكِنْ هَجَرَ بَعْدَهُ فَإِنَّكَ أَنْ قَادِرٌ عَلَى الْمَنْعِ يَمْنَعُ وَ
 إِنْ لَمْ يَكُنْ قَادِرٌ فَإِنَّكَ أَنْ الرَّجُلُ مُقْتَدِي يَخْرُجُ
 كَمَا يَقْتَدِي النَّاسُ بِهِ وَأَنْ لَمْ يَكُنْ مُقْتَدِي فَإِنْ قَعَلَ
 وَ أَكَلَ جَا زِلًا إِنْ أَجَابَهُ الدَّعْوَةَ سَمِعَهُ فَلَا تَتْرُكُ بِسَبَبِ
 بِلَاعِهِ كَصَلَاةِ الْجَنَازَةِ يَحْضُرُهَا الْمَنَائِحَةُ * انتهى لیکر
 عامی را هم ضرور است که کراهت آن بدل دارد * کما
 جَاءَ فِي الْحَدِيثِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَيَقْلِبْهُ وَ ذَلِكَ أَوْضَعُ
 الْإِيمَانِ * و اگر کراهت آن بدل ندارد خوف زوال
 ایمان است * هَذَا عَيَاذُ بِاللَّهِ * سَلَامٌ سُبْحَانَهُ * رسم
 است که چند روز قبل از نکاح مخطوبه را در مکان خاصه
 می نشاند و در صحن خانه آن مکان هم روزن نمیدهند جائه

اعت بانه و نیز از رسم هندوستان است که وقت
شادی با هم بطریق نوت و پیچری میدهند جائز است بانه
* جواب این امور از قسم مباحات است که فعل و ترک
در آن امور برابر است و اصرا در امر مباح خواه بر فعل باشد
و خواه بر ترک آن مکرره گفته اند چنانچه ملا علی قاری
در شرح مشکوٰه مینویسد * **مَنْ أَصْرَ عَلَىٰ أَمْرٍ مِّنْهُ وَبِ
وَجَعَلَهُ عَزْمًا وَلَمْ يَعْمَلْ بِالْإِخْصَةِ فَقَدْ أَصَابَ مِنْهُ
الشَّيْطَانُ مِنَ الْأَضْلَالِ فَكَيْفَ مَنْ أَصْرَ عَلَىٰ بِلَاعِهِ
وَمَنْكَرٍ *** انبیهی و رسم نوت دادن در اقامت برای
اعت از قسم بر دصمه مباح است باید که موافق
نقد و بر صرف نمایند و در صورت بی نقد و بی ثقل قرض
گرفتن برای نوت بدنه خود ناکند زیرا که درین صورت
مستقرض به ادای آن لازم خواهد شد و گرفتار قرض
برای این چنین ارا مباح محمود نیست * **وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ
يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ *** سه ماه چهاردهم * وقت رخصت

همدن برات مردمان برادری نوشتند و بطریق سلامی
 چیزی میدهند و همچنین عروس را وقت رسیدن وی بخانه
 فوشه چیزی بطرز رو نمائی میدهند این رسوم جائز است
 یا نه * جواب در شریعت محمدی اصل این چیزها
 بافته نمی شود مگر ظاهر حال این قسم چیزها که دادن سلامی
 و رو نمائی است مباح باشد و لازم گرفتن امر مباح بر ذمه
 خود ضرر و زیانست کما صوائفا و لازم گرفتن چیزی که
 لزوم آن از دلایل اربعه یعنی کتاب و سنت و اجماع
 و قیاس است ثابت نشود جائز نیست بلکه احداث
 فی الدین است پس هر که بر غیبت دل بدهد مباح
 است و هر که از بی مقدمه روی ندهد بروی بلاست
 شرمی نیست * سنه بانزدیم * رسم است که
 در شادی پسربادختر زنان نهال وی از قسم نقدی و
 پارچه و زیور و سرامه آورده میدهند و گاهی بعضی از ایشان
 خود مهکفل شادی می شوند این طور در شرع شریعت

جائز است یا نه * جواب این چنین افعال موافق قواعد
 اصول در شریعت جائز است بشرطیکه دهنده به نیت
 بر و صلاه بدهد چنانچه آنحضرت صلی الله علیه و سلم هم
 با حضرت فاطمه رضی الله عنهما بطریق بر و صلاه معامله
 می فرمود پس دادن این قسم چیز نا بلا کراهت مناج
 است بلکه مستحب است و اگر کسی در این چنین
 وقت به نیت تلافی نام آوری و برای شهرت در
 مردم بدهد جائز نیست بلکه مکروه خواهد شد زیرا که تلافی
 و نام آوری در صرف اموال مذموم است *
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ
 إِلَى صَوْرَتِكُمْ وَ أَمْوَالِكُمْ وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَ
 أَعْمَالِكُمْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ كَذَا فِي الْمَشْكُوتِ * سنن
 شافعی دهم * نویسنده را بدون حاجت غصیل دادن و
 لباس سفید یا رنگین سوای گل معصوم پوشانیده در
 برات سوار کردن و بی آنکه خانه عروس در محله دیگر یا

قرعہ دیگر باشد نوشتہ را با مردمان برات گشت دادن
 درست است یا نه * جواب این غسل از مسنونات
 و مستحبات شرعی نیست اگر برای تنظیف و تطہیر
 کنند بد رجاء حاجت خواهد رسید و هر مباح را که مردم
 جمال بد رجاء واجب یا سنت فہمیدہ بعین آرند پس
 آن مباح مکروہ می گردد چنانچہ بیان آن گذشت و لباس
 سفید پوشانیدن جائز است * كَمَا فِي التَّحْمَادِ يَهُ مِنَ
 الشَّرْهِ وَ أَحَبُّ الْأَلْوَانِ الْبَيَاضُ وَالنَّظَرُ إِلَى الْخَضِرِ
 يُزِيدُ فِي الْبَصَرِ وَقَدْ لَبَسَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 الْبُرْدَ الْأَخْضَرَ * انتهى و همچنین لباس سبز و سیاه
 و زرد که مزعفر و شبیه مزعفر نباشد جائز است و
 لباس زرد که از گل مععفر باشد پوشیدن آن لباس هم
 مکروہ است و لباس کہ برنگ احمر صوای گل مععفر
 باشد مختلف فیہ است ترک آن اولی باشد زیرا کہ
 در حدیث آورده کہ * رَوَى الْحَسَنُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ وَإِيَّاكُمْ وَالْحُمْرَةَ فَإِنَّهَا مِنْ زِينَةِ
الشَّيْطَانِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يُحِبُّ الْحُمْرَةَ * انبهي و سوار
شدن نوشت برای گشت کردن همراه مردمان برای
برای اظهاری شوکت چنانچه مولا ناسا

عبد العزیز قدس سره در بعضی تحریرات و
تالیفات خود در بیان از سنو مالت منویات نکاح نوشته

وَلَا يَجُوزُ تَضْيِيعُ الْمَالِ بِإِخْرَاقِ الْبَارِدِ وَالْكَافِدِ
وَرُكُوبِ الْخَيْلِ وَالطَّوْافِ بِالْبَلَدِ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ
دِيَارِهِمْ لِيُظَاهَرُوا بِأَرْيَاءِ النَّاسِ وَظَاهَرُوا الْمَعَازِفَ وَانْهَلَوْا
وَظَاهَرُوا لِعِبِ اللّٰعِمِينَ وَاسْتَرْجِعُوا إِلَى الْبَيْتِ بِأَفْئِدَةٍ
الْجَمِيلَةِ تَزِينُنَا وَدُخُولِ النِّسَاءِ إِلَّا جَنَمِيَّاتٍ عَلَى الزَّوْجِ
بَعْدَ الْفَرَاحِ مِنَ الْعَقْدِ وَكَلَامُهُنَّ مَعَهُ وَنَسْ أَنْفَهُ وَادُّنْهُ
وَوَضْعُ لِنَبَاتٍ عَلَى جَسَدِ الزَّوْجَةِ وَأَمَّا الزَّوْجُ بَانَ يَرْفَعُهُ
بِلِسَانِهِ وَصُفُوفِ النِّسَاءِ حَوْلَ الزَّوْجِ وَالزَّوْجَةُ عِنْدَ الْخَلْوَةِ

مذکوره از جانب آن حضرت صلی الله علیه و سلم که
متکفل نکاح زید بود مرسل گردیده و در وقت
ارسال این چیزها بجهل و ارایش بمیان نیامده پس
از سال نمودن یدیه از جانب نوشته ثابت شد
و ساختن ارایش و غیره در ساقی که مروج این
دیار است به ثبوت نرسیده پس مسلمان دیندار
و لازم است که آنچه اصل آن از شرع شریف
به ثبوت رسد بعین آورد آنچه! صوابش در شریعت
محمدیه نباشد و برای تفاخر و نام آوری پابند رسم
نگردیده اسراف نماید جائز نیست و در ارایش
اسراف صریح است و گناه بی ادبی بنسب کاغذ
که بر آن نام خدای تعالی مینویسند چنانچه صاحب مرآة
الصفایه سنة المصطفی می آورد که در کار خمر نهال تا
از کاغذ را اعتد میکنند بدانکه کاغذ قرطاس است
و بر قرطاس نام خدا تعالی مینویسند پس سازندگان

و راضی شوند کان گرفتار بعد از آن می شوند آنانی که در اندام
 خانمندی مرد بالغ را بلکه طفل صغیر را جائز نیست شادی
 باشد یا صغیر شادی بدلیل باشد یا کثیر چنانکه در مسأله
 نهم گذشت و در کتاب اشباه و نظایر باین عبارت
 مرقوم است که مَا حُرِّمَ عَلَى الْبَالِغِ فَعَلُهُ حُرْمٌ عَلَيْهِ
 فَعَلُهُ لَوْلَا هِیَ الصَّغِيرُ فَلَا یُجْزَاؤُا نِیْسَاقَهُ حُرْمًا وَلَا اِنْ
 یَلْبَسُهُ حُرِّیْرًا لَا اِنْ یُغْضِبُ یَدًا بِیَمْنٍ اَوْ رَحْلَهُ
 اَنْتَهی وَفِی نَصَابِ الْاِحْصَابِ وَلَا یَمْنَعُ غِیْ خَضَابِ الْیَدِ
 وَالرَّجْلِ لِلَّذِی کُوِّرَ صَغِیْرًا سَكَانَ اَوْ کَثِیْرًا وَلَا بَاصَ بِهِ
 لِلنِّسَاءِ اِزْیْنِ عبارت معلوم شد که استعمال حنا
 برای مردان حرام است مانند استعمال صبر و ذهاب
 و قضمه اگر چه طفلان صغیر باشند و برای زنان جائز و
 و مباح بلکه طهنت است اگر چه صغیره باشند چنانچه
 در فتاوی حمادیه از کفر العباد می آرد که اَلْحَمْدُ
 لِلَّهِ وَلِلنِّسَاءِ وَیُکْرَهُ لِغَیْرِهِنَّ لَا تَهَّ تَشْبَهُ بِهِنَّ وَکَذَا

تَشَبُّهُ الْمَرْأَةَ بِالرَّجُلِ مَكْرُوهٌ وَفِي الْكَبِيرِ وَالظَّهْرِ يَتَّ
لَا يَغْبِغِي لِلصَّغِيرِ أَنْ يُخَضَّبَ يَدُهُ أَوْ رِجْلُهُ لِأَنَّ
ذَلِكَ تَنَزُّيٌّ وَهُوَ مَبَاحٌ لِلنِّسَاءِ إِنَّمَا رَسَمُ
حَنَانَدِي كَهَذَا مِنْ عَرُوسٍ بَرَاءِ اسْتِعْمَالِ نَوَاشَةِ
مَقَرَّرٌ بِاطِّلَالٍ وَحَرَامٌ اسْتِوَادُ بَرَاءِ زَنَانِ جَانِبِينَ
دِرَسْتِ وَمَبَاحٌ وَاصْرَارُ بَرَفَعَلِ حَرَامٌ وَكَنَاهُ صَغِيرَهُ كَنَاهُ
كَبِيرَهُ اسْتِوَادُ بَرَكَنَاهُ كَبِيرَهُ قَرِيبٌ اسْتِوَادُ بَرَكَنَاهُ
مَعَاذَ اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ * سَأَلَهُ نَوَازِدُهُمْ * سَهْرَهُ وَتَارَهُ
كُلَّ كَهَذَا بِرَسْمِ نَوَاشَةِ وَعَرُوسٍ مِي بِنْدِ دِرَسْتِ اسْتِوَادُ
يَانَهُ وَنَبَرِ بَسْتِنِ كَنَاهُ دِرَسْتِ خَاطِبِ وَمَخْطُوبِهِ جَائِرٌ
اسْتِوَادُ بَرَكَنَاهُ * جَوَابُ سَهْرِهِ كَهَذَا تَارَهُ نَقَرَهُ وَطَلَاهُ بِاشْتِوَادِ
مَرْدَانِ اصْلًا جَائِرٌ نَيْسْتِ زِيرِ كَهَذَا اسْتِعْمَالِ طَلَاهُ مَرْدَانِ
مُطْلَقًا حَرَامٌ اسْتِوَادُ كَمِيَا مَرْدَانِ الْمَسْمُومَةِ الْغَائِثَةِ
وَاسْتِعْمَالِ نَقَرِهِ كَمِنَرِ زَوْنِ مَشْقَالِ بَرَاءِ اِنْكَشَتِ ي
مَرْدَانِ رَجَائِرُ اسْتِوَادُ چنانچه در حدیث نَرْدِی دارد

شده که شش صفحه برای تبار ساختن انگشتری پرسیده یا
 رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ قَالَ مِنْ وَرَقٍ وَلَا تَقَمِّهِ
 صِثْقًا لِأَسْوَأِیِ اَنْگِشْتَرِیِ استعمال نقره هم مردان را
 درست نیست کذا فی کتب النقیه و زنا را استعمال
 مرد و جائز است مگر در سهره که استعمال آن در سهره
 زنا را هم مکروه است بجهت مشابَهت کفار
 و مشابَهت کفار حرام است * قال اللہمَّجی صلی اللہ
 علیہ و سلم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ * اما سهره که
 از گل تبار می کنند انهم بَشَبَّ مِثْلِ کُفَّارِ جائز نیست
 بلکه بار گل که بر سر نوشته و عروس وقت نکاح یا بعد از آن
 می بندند بدعت است و مشابَهت با گبران و از مشابَهت
 کافران و گبران احتراز لازم است چنانچه در کتاب مرآة العرفاء
 که بطور فنادی است می نویسد گل بر سر مخاطب بستن
 و دستار چه بر سر داشتن بدعت است و بعضی گفته
 که این رسم گبران است انتہی و کنگنه بسن در

دست خاطب و مخطوبه نیز از ر س د م کنار است چنانچه
 در همین کتاب در فصل نکاح * نَا قِلَاعِن فِقَاوِي الْجَوَهِرِيْنَ
 * مذکور است که قومی را ر س می است که قدری
 سر شفت و سپند در جامه کبود می نهند از آن را کنگنه
 خوانند این چنین افعال شتابر بدعتها و معصیتها بسیار
 است نخست آنکه این سنت نبود است و شبیه بهنو و
 کفر است یا گناه کبیره و الاضافه فی الفصل الذکور
 و هم رشته لعل بسنس برد دست خاطب نام رسم
 گبران است بیسم آن است که کافر باشد و در منافع
 المومنین می آرد که قومی را ر س می است که سیوهای
 نور اگل بندند و مندل مالند این مشابهت بگبران است
 و نیز درین کتاب است که قومی را ر س می است
 که قدری سر شفت و سپند در لقمه می بندند و را
 کنگنه میگویند و آنرا در دست خاطب بندند و این صریح
 است که سازنده و راضی نشونده کافر شود و سبب ادم

باوری در کتاب خود از کتاب عالم الهدی نقل کرده است
 که در نکاح چند چیز کفر است و چند همیر بیسم کفر و بعضی
 بدعت پس هر که این رسوم بجا آورد علاوه بر جیت
 از میان بر طرف شود و آن نکاح از اهل اسلام نباشد
 فرزند آن نکاح که متولد شود نسبت آن فرزندان ثابت
 نشود و اگر ثابت شود بجهرا از ادگی منسوب گردد و
 یکی بسن کنگنه و این کفر صریح است که سازنده و
 راضی شونده این عمل کافر میگردد و دیگر آنکه جلوه میدهند
 که مشاییر انواع فتنه بختها در سوائی است دیگر آنکه
 بر سره خا طب مادر و خواهر یا زنان دیگر دامن می اندازند
 و بر سره مخطوبه دسار می نهند بدانکه از این فعل هردو
 مایعون می شوند زیرا که رسول خدا صلی الله علیه و سلم
 فرموده لعنت خدا بر مردی که خود را مانند زنان کند
 و لعنت خدا بر زنیکه خود را مانند مردان کند دیگر آنکه
 آنگشت از مخطوبه بشیر و آب می شویند و خا طب را

می نوشانند این نیز از رسوم گبران احدت و بیتم کفر
 دیگر آنکه مادره نبات بر اندام زن می نهند و مرد آنرا
 بدین خود می گیرد درین افعال فاسق می شوند و آن
 نیز از رسوم گبران است و شباهت بچهار پایان
 دارد دیگر آنکه در وقت جلوه ریشمان نمرخ می آرند
 و در کلهی خا طب می اندازند و مشاطه بر تخت عطاینده
 هر یک از اعضای خا طب بلکه اندام نهانی او را می پیماید
 و زنان نظاره میکنند و می خندند و درین افعال جمله ماعون
 میشوند دیگر آنکه دشنامهای سبج میدهند تا آنکه
 امانت به سجده و محراب و شمله دستار میرسانند و
 امانت این چیزها کفر است دیگر آنکه خا طب بر گرد
 مخطوبه هفت بار میگردد و این از رسوم کفار است و
 بیتم کفر دیگر آنکه فرج زن را بشربت میشویند و
 زن نیز در آن بول میکند و مرد را می نوشانند و درین نیز
 بیتم کفر است دیگر آنکه بر سره سیاه مرد را زینت میدهند

این هم بنا اتفاق کرده است و اگر گویند که این راهی
و بندهی بهست کافر شوند دیگر آنکه خا طب را طوق نقره
و بعضی از پذیرایه زنان می پوشانند این نیز بدعت
سیئه است انتهی عجزه اسید در رسم آرسی و
مصحف که مروج این دیار است در شریعت محمدیه
اصلی از آن در کتابی دیده نشد پس انهم بدعت
است که ترک آن انسب و البیق * ساء بستم *
در سواری برای برات نقاره نواختن برای اعلان نکاح
جائز است بانه * جواب نواختن نقاره برای اعلان
نکاح حرام است چنانچه از عبارت هدایه مستفاد میگردد
وَدَلَّتِ الْمَسْئَلَةُ عَلَى أَنَّ الْمَلَاهِي كُلَّهَا حَرَامٌ إِلَى آخِرِ مَا
قَالَ وَدَرِ فَنَادَى كُبْرَى آوَرْدَه كه زدن طبل و شنیدن
آن حرام است زیرا كه انبهر ملاهی است مكر طبل
در عرب مسلمانان با كفار دوست است زیرا كه
از او از نقاره غازیان پراكنده و مجتمع میشوند پس

درین مقام زدن طبل عبادت است نه مهیت انتهی
 و جاهول و ناشد و غیره در حکم طبل است هر که اینهمه
 از آلات مایه است و فی الحما دیه و یکرُم استعمال
 الْآلَاتِ الَّتِی تَطْرَبُ مِنْ غَیْرِ غِنَا کَالْعُرْدِ وَالطَّنْبُورِ
 وَالْمَعَزْفَةِ وَالطَّبْلِ وَالْمِزْمَارِ عَنْ مَجَاهِدٍ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ
 أَنَّهُ قَالَ سَمِعَ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَمْرٍو رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُمَا صَوْتَ
 طَبْلِ فَادَّخَلَ صَبْعِيهِ فِي أُذُنَيْهِ وَقَالَ هَكَذَا رَأَيْتُ
 النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَصْنَعُ وَهُوَ مُسْكِرٌ عَنْ
 رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ إِسْتِمَاعُ
 الْمَلَاهِي مَعْصِيَةٌ وَالْجُلُوسُ عَلَيْهَا فِسْقٌ وَالتَّمَكُّدُ
 بِهَا مِنَ الْكُفْرِ وَإِضَافِيهِ مِنَ التَّرْضِيعِ شَرْحُ الْمَنْظُومَةِ
 وَالْأَنْكَحَةُ الَّتِی تُنْعَقَدُ فِي مَجَالِسِ الْمَلَاهِي وَالْمِزَامِيرِ
 تَكُونُ مُخْتَلِفًا فِيهَا بِوَجْهَيْنِ أَحَدُهُمَا يَفْسُقُ
 الْوَلِيُّ لِأَنَّهُ هُوَ الَّذِي أَحْضَرَ الْمَلَاهِيَّ وَالْمَعَارِفَ وَ
 أَمْرَهُمْ بِذَلِكَ وَاعْتَلَى الْمُغْنَمِينَ عَلَى ذَلِكَ الْأَجْرَةِ

وَالثَّانِي أَنَّ الْحَاضِرِينَ صَارُوا أَهْفَافَةً لَا سِتْمًا عَلَيْهِمْ ذَلِكَ فَلَمْ
يَجِبِ الْوَلِيُّ زَلِيمًا وَلَا الْخَاضِرُونَ شُهُودًا عِنْدَهُ وَفِي
خَزَائِنِهِ الْوَايَةُ مِنَ الظُّهَيْرِيَّةِ وَعَلِمَ أَنَّ جِنْسَ
هَذِهِ الْمَسَائِلِ ثَلَاثَةٌ أَنْوَاعٍ مِنْهَا مَا يَكُونُ خَطَاءً وَلَكِنْ
لَا يُوجِبُ الْكُفْرَ فَيُؤْمَرُ قَائِلُهُ بِالْإِنَابَةِ وَالِاسْتِغْفَارِ
وَمِنْهَا مَا فِيهِ اخْتِلَافٌ فَيُؤْمَرُ بِاسْتِحْدَادِ النَّكَاحِ
اِحْتِيَاظًا وَبِالْتَوْبَةِ وَالْإِنَابَةِ وَمِنْهَا مَا هُوَ كُفْرٌ
بِالْإِتِّفَاقِ وَإِنَّهُ يُوجِبُ إِحْبَاطَ جَمِيعِ أَعْمَالِهِ وَيَأْزِمُ
إِعَادَةَ الْحَجِّ إِنْ حَجَّ وَيَكُونُ طَهُمُهُ مَعَ امْرَأَتِهِ زِنًا
وَالرِّدَّ الْمَتَوَلَّى فِي هَذِهِ الْحَالَةِ وَلَدَ الزَّوْنِ فَإِنَّهُ
إِنْ أَتَى بِكَلِمَةِ الشَّهَادَةِ بَعْدَ ذَلِكَ بِحُكْمِ الْعَادَةِ وَلَمْ
يَرْجِعْ عَمَّا قَالَ أَوْ فَعَلَ لَمْ يَرْتَفِعِ الْكُفْرُ وَهُوَ الْمُسْتَمَرُّ
أَنْتَهَى أَمَّا بَيَانُ ابَا حَتِّ دَفُوقِ عَرَسٍ وَغَيْرِهِ بِسُ
بَيَانِشِ دَرْجَوَابِ سَوَالِ اِسْتِ وَشُشْمِ اِبْرَاهِيمِ
وَرِزْمَانِهِ اِنْخَضَرَتْ صَالِي اَللهِ عَلَيْهِ رِسْمٌ وَمَعْمُولٌ اِبْرَاهِيمِ

انشاء الله تعالی * مسأله بست یکم * در عروسی
 و غیره سر کردن انش بازی قلیل باشد یا کثیر با اثر
 است یا نه * جواب سر کردن انش بازی اسراف
 است در شادی باشد یا غیر آن و اسراف در شمع
 شریف ممنوع است قال الله تعالی إِنَّ الْهُدَىٰ رَيْنَ
 تَكْفُورِ الْإِخْوَانِ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا
 چنانچه از عبارت مولانا حضرت شاه عبد العزیز رحمه
 الله علیه در جواب سوال شانزدهم مستفاد گردیده و
 قلیل و کثیر درین حکم برابر است پس مستلمان دیندار
 را لازم و واجب است که آنچه خلاف خوشنودی
 مولی باشد آنرا ترک نماید اگر چه مخالفت طبایع انسانی
 روزگار داند زیرا که بروز قیامت از اعمال بنگ بهره مند
 خواهد شد و در گرفتاری اعمال بد بجز حسرت و مذمت
 و اندوه و ملامت شمرده نخواهد دید و ندای نفسی نغمی
 از هر کدام نخواهد شنید فَاذْهَبْ وَلَا تَظْلِمْ * مسأله بست

دوم * وقت رسیدن، نوشتن خانه عروس لباس عنائی
از حصر خانه می پوشد و آنرا تا به رسیدن خانه خود بپوشیده
می آید درست است یا نه * جواب پوشیدن این
لباس مباح است بشرطیکه از قسم حریر در رنگ
معصفر و رنگ مرغفر و تاش و بادله و غیره که مرد را
پوشیدن آن حرام است نباشد و نیز بطریق اسراف
و تکبر نباشد قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَلُوا
وَأَشْرَبُوا وَاصْدُقُوا وَالْيَمُّوا مَا لَمْ يُخَالِطِ اسْرَافٌ
وَلَا مَخِيلَةٌ و مرقع از پوشیدن حریر و زعفران ازین حدیث
ثابت است قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا لَبَسَ
وَالْحَرِيرَ لِلْإِنَاثِ مِنْ أُمَّتِي وَحَرَّمَ عَلَيَّ ذِكْرَهُ * و منع از پوشیدن
رنگ معصفر ازین حدیث معلوم می شود * قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ
مَجْرُوَابٍ الْعَلَاءُ رَأَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيَّ
ثَوْبَيْنِ مَعْصُورَيْنِ فَقَالَ إِنَّ هَذَيْنِ ثِيَابُ الْكُفَّارِ فَلَا
تَلْبِسُهُمَا وَفِي رِوَايَةٍ قُلْتُ اغْلِظْهُمَا قَالَ بَلْ أَحْرِقْهُمَا *

وَفَرَدَيْتُ صَبْحًا مِنْ رَجَبٍ مِنْ عَفْرِ بْنِ نَهْيٍ آدَمَ * هُنَّ
 اَنْسَ قَالَ نَهَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنْ يَتَزَعَفَرَ الرَّجُلُ
 اَنْكُلًا فِي الْمَشْكُورَةِ * وَدُرُ فَنَادَى هَمَادِيَهُ اَزْخَانِيَهُ نَقْلًا كَرَدَهُ
 * وَيَكْفُرُهُ لِلرِّجَالِ اَنْ يَلْبَسُوا الثَّوْبَ الْمَصْبُوغَ
 بِاَمِّ عَصْفَرٍ وَالزَّعْفَرَانِ وَالْوَرْدِ * اَنْتَبَى وَهَوَّشِيْدَن
 لِبَاسٍ نَقَرْتِي مَرْدَرًا مَثَلُ حَكْمٍ هَوَّشِيْدَن لِبَاسٍ طَلَا نِي اَصَتْ
 * لَا اِنَّ الْفِضَّةَ فِي حُكْمٍ الذَّهَبُ كَمَا يَفْهَمُ مِنْ عِبَارَةٍ
 اَلْهَدَايَةِ اَلَّتِي مَرَّتْ سَابِقًا وَاللَّهُ اعْلَمُ وَعِلْمُهُ اَحْكَمُ *
 مَسَاءً بَسْتُ سَيُومَ * بَعْدَ تَكَاحُ بِه قَاضِي دُو كِيَل وَشَاهِد اَنْ
 كِه اَزْ طَرَفِ عَرْدَسِ مِي آيِنْدِ بَخُوشِي خُودِ دَدَن مَطَالِبِه
 مَشَانِ بِيْزِي دَادَن جَانُرَا سَتِ يَانِه * جَوَابِ دَادَن
 اَيْنِ مَرْدَمَانِ بَدُونِ مَطَالِبِه وَبِحِرَازِ طَرَفِ اِبْشَانِ مَبَاحِ
 اَصَتْ دَاكِرْ جَرُ كَنْدِ دُخَوَاهِ مَخَوَاهِ بَكِدِ دَا جَرَارِ طَالِبِ نَابِنْدِ
 دِ بَايِرِ نَدِ بَسِ مَبَاحِ نِيْهَتِ چِنَا نَحْ دَرِ كِتَابِ خِرَانِيَه
 اَلرَّوَايَةِ مَرْقُومِ اَصَتْ * وَمِمَّا سَمِعَهُ الْقُضَاةُ فِي دَارِ

اَلَا سَلَامٌ مُّطْلَبٌ صَرِيحٌ وَهُوَ اَنْ يَأْخُذَ رَامِنَ الْاَتْلَكَةِ
 شَيْئًا ثُمَّ يَجْعَلُ زَوْجَ اَوْلِيَاءِ الزَّوْجِ وَالزَّوْجَةَ بِالْمُنَاكِحَةِ
 فَاِنَّهُمْ مَا لَمْ يَرْضُوْا بِشَيْءٍ مِنْ اَوْلِيَاءِ نَهْمًا لَمْ يُجِزُوا
 بِذَلِكَ فَانَّهُ حَرَامٌ لِلْقَاضِيِّ وَالْمُنَاكِحِ * انتهى وادلی
 در باب نکاح آنست که وکیل مخطوبه آنکس باشد
 که لیاقت عقد نکاح عاقدین در خود دارد و انظار ایجاب
 و قبول را موافق اکتب فقه از عاقدین ادا کنند تا نکاح
 شان با اتفاق علماء اربعه مجتهدین صحیح گردد و اگر قاضی
 غیر وکیل مذکور باشد در ویرای آن وکیل ایجاب و
 قبول کنند نزد علمای حقیقه جائز است چنانچه در فناء و
 صمدیه از خانی می نویسد * الرَّكَيلُ بِالْعَزْوِيجِ لَيْسَ لَهُ
 اَنْ يُوَكَّلَ غَيْرُهُ فَاِنْ فَعَلَ فَنَزَّاجُ الثَّانِي بِحَضْرَةِ الْاَوَّلِ
 جاز * انندی و هجت در بن باب آنست که دلی مخطوبه
 خود خطبه نکاح که مسنون است بخواند و از عاقدین
 ایجاب و قبول کنند زیرا که آن حضرت صلی الله علیه

وسلم وقت نکاح حضرت فاطمه با حضرت علی رضی الله عنهما
 ابن عباس لعن آدرده بود چنانچه در مواهب له نیز مرقوم
 است * عن أنس قال جاء أبو بكر ثم عمر خطبانا
 فاطمة إلى النبي صلى الله عليه وسلم فسكتا ولم
 يرجع إليهما شيئا فأنطلقا إلى علي يا مرا نيه بطلب
 ذلك قال علي فنبهنا نبي الأمر فقمنا أجردا نبي حتى
 أتيت النبي صلى الله عليه وسلم فقلت تزوجني قال
 وهذا شيء قلتي فرسني وبن نبي قال أما فرسك فلا بد لك
 منها وأما بد لك فبعضها فبعضها باربعماية وثمانين درهما
 فبقيته بها فوضعته في حجره فقبض منها قبضة فقال أي
 بلال ابتع لنا بها علبا واورهما ان يجهزواها ففعل
 لها سيرا مشروطا وسادة من آدم حشوها ليف وقال
 لعلي إذا انمك فلا تجلد شيئا حتى آتيتك فجاءت مع
 أم ايمن حتى قعدت في جانب البيت وأنا في جانب
 جاء رسول الله صلى الله عليه وسلم قال مهتا أخى

قَالَتِ امْ يَا يَمَنَ أَخُوكَ وَقَدْ إِزَّوَجْتَهُ بِأَبْنَيْكَ قَالَ نَعَمْ
وَدَخَلَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ لَهَا طَمَعُ أَتَيْتَنِي بِمَاءٍ
فَقَامَتْ إِلَى قَعْبٍ فِي الْبَيْتِ فَأَتَتْ فِيهِ بِمَاءٍ فَأَخَذَهُ وَ
مَجَّ فِيهِ ثُمَّ قَالَ لَهَا تَقْدَمِي فَمَقْدَمَتِ فَنَضَعَ بَيْنَ ثَدْيَيْهَا
وَعَلَى رَأْسِهَا وَقَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعِزُّ مَا بَكَ وَذَرَيْتَهَا
مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ثُمَّ قَالَ لَهَا ادْبُرِي فَإِذَا بَرَأَتْ
فَضَبَّ بَيْنَ كَتِفَيْهَا ثُمَّ فَعَلَ مِثْلَ ذَلِكَ بَعْلِي ثُمَّ قَالَ لَهُ
ادْخُلْ بِأَهْلِكَ بِسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَكَةِ أَخْرَجَهُ أَبُو حَاتِمٍ
وَأَحْمَدُ فِي الْهَمَنَاقِبِ بِنَحْوِهِ وَفِي حَدِيثِ أَنَسٍ عِنْدَ أَبِي
الثَّغَيْرِ الْقُرَظِيِّ نَبِيُّ الشَّامِ كَرِهِي خُطْبَهَا عَلَيَّ بَعْدَ أَنْ
خُطِبَهَا أَبُو بَكْرٍ ثُمَّ عَمِرُ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ أَمَرَنِي
رَبِّي بِذَلِكَ قَالَ أَنَسٌ ثُمَّ دَعَانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ
أَيَّامٍ فَمَالَ لِي يَا أَنَسُ ادْعُ لِي أَبَا بَكْرٍ وَعَمْرَ وَعُثْمَانَ
وَعِمْدَ الرَّحْمَنِ وَعِدَّةً مِنَ الْأَنْصَارِ فَلَمَّا اجْتَمَعُوا دَاخِلُوا
مَجِيئًا لِسَهْمٍ وَكَانَ عَلِيٌّ غَايِبًا فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَحْمُودِ بِدَعَمَتِهِ الْمَعْبُودِ بِقُدْرَتِهِ الْمُطَاعِ
 بِسُلْطَانِهِ الْمَرْهُوبِ مِنْ عَذَابِهِ وَسُطُوْنِهِ الْبَلَاءِ ذِي الْمِرَّةِ
 فِي سَمَائِهِ وَأَرْضِهِ الَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ وَمَيَّزَهُمْ
 بِأَحْكَامِهِ وَأَعَزَّهُمْ بِدِينِهِ وَآكَرَمَهُمْ بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ تَجَارَكَ وَتَعَالَى اسْمُهُ وَتَعَالَتْ
 عَظَمَتُهُ جَعَلَ الْمَصَاهِرَ سَبِيلًا أَحَقَّ وَأَمْرًا مُفْتَسِرًا
 أَوْشَحَّ بِهِ الْأَرْحَامَ وَالْأَنْزَمَ الْأَنَامَ فَقَالَ عَزَّ مِنْ قَائِلٍ
 وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَ
 كَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا فَاْمُرَ اللَّهُ تَعَالَى بِحُرِّيٍّ إِلَى قَضَائِهِ وَقَضَاءُهُ
 يُجْرِي إِلَى قَدَرِهِ وَلِكُلِّ قَضَاءٍ قَدَرٌ وَلِكُلِّ قَدَرٍ
 أَجَلٌ وَلِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ يَحْوِي مَا يَشَاءُ وَبُشِّيتُ وَعِنْدَهُ
 أُمُّ الْكِتَابِ ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ نِيَّ أَنْ أَرْجِعَ
 فَاطِمَةَ مِنْ عِلِّيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَاشْهَدُ وَأَنْنِي قَدْ زَوَّجْتُه
 عَلَى أَرْبَعِمِائَةٍ مِثْقَالِ فِضَّةٍ أَنْ رَضِيَ بِذَلِكَ عَلِيٌّ ثُمَّ دَعَا
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِطَبِيقٍ مِنْ بَهْرٍ ثُمَّ قَالَ انْتَهَوْا

فَاَنْتَهَيْنَا زَوْجَكَ عَلَىٰ فَتْمَاسَ الْاَنْبِيَاءِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي وَجْهِهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ اَمَرَنِي اَنْ اُزَوِّجَكَ فَاطِمَةَ عَلَى اَرْبَعِمَائِهِ مِثْقَالَ فِضَّةٍ اَرْضِيَتْ بِذَلِكَ فَقَالَ قَدْ رَضِيتُ بِذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَمَعَ اللَّهُ شَمْلَكُمْ وَعَزَّجَكُمْ وَبَارَكَ عَلَيْكُمْ وَاَخْرَجَ مِنْكُمْ اَكْثِيرًا طَيِّبًا قَالَ اَنْسَ فَوَاللَّهِ لَقَدْ اَخْرَجَ اللَّهُ مِنْهُمْ اَكْثِيرًا طَيِّبًا اَنْتَ بِي عِبَارَةُ الْمَوَاهِبِ وَ
 د و خطبه دیگر است که خواندن آن هم بسنت ثابت
 شده پس در جواب سوال آنده عنقریب بیاید
 ان شاء الله تعالی * سلام بست و چهارم * وقت ایجاب
 و قبول معمول است که قضات این دیار اول از ایجاب
 و قبول کلمه طیب و آمَنْتُ بِالله و دعای قنوت و غیره
 میخوانانند این طریقه سنون است یا نه و در ایجاب
 و قبول گفتن یکبار کنایه است میکنند یا کمر اسه بار ضرر در
 است و قبل از ایجاب و قبول متوال نکاح را خواندن

خطبه سنت است یا بعد از آن و کدام خطبه خواندن
 مسنون است * جواب مسنون در نکاح همین است
 که اول خطبه را ازین سه خطبه تا که مذکور میکرد و بخوانند
 بعد از آن ایجاب و قبول در میان عاقدین واقع گردد
 و گفتن ایجاب و قبول یکبار کافی است حاجت تکرار
 سه بار نیست چنانچه در عقود بیع و شرا و بیع و غیره
 یکبار گفتنایت می کند و خوانانیدن کلمه طیب و امنت
 یا الله و غیره عاقدین را وقت نکاح از صحابه و مخالف
 فائور نیست مگر چون در عقیده عاقدین خللی بهمیان آمده
 باشد و آنرا معلوم کنند از وقت بطریق تجدید اسلام
 خوانانیدن کلمه طیب و غیره پر ضرر و است و البته تمام این
 تأکیدین با وصف در سنه عقیده خالی از جهل نیست و
 از تنبیح کذب احایث و کذب سیر چنان معلوم گردیده
 که خطبه نکاح که متمول صحابه و مخالفی مخالف بودند
 خطبه است بکی آنکه آن حضرت صلی الله علیه و سلم آنرا

وقت تزویج فاطمه رض خوانده بود چنانچه در جواب
سوال سابق مرقوم گردیده دوم آنکه نجاشی پادشاه حبشه
وقت عقد نکاح حضرت ام حبیبه رضی الله عنهما با حضرت
صلی الله علیه و سلم در حبشه خوانده بود چنانچه صاحب مواهب
لدنیه آنرا با قعه نکاح نوشته که خلاصه آن در اینجا مرقوم میگردد
* بد آنکه چون عبد الله بن جحش زوج اول ام حبیبه رضی
الله عنهما بحبشه بهحرت نمود و همراه خود ویراهم بطریق
بهحرت در ر بود و بعد رسیدن حبشه از تقدیر الهی
نصرانی گشته مرد و این خبر را کسی از یاران با حضرت
صلی الله علیه و سلم برد و گفت که ام حبیبه رضی الله عنهما
بر اسلام خود ثابت و مستقامست آن حضرت صلی الله
علیه و سلم عمر و بن امیته ضمیری را بسوی نجاشی برای
پیام نکاح خود با ام حبیبه رضی الله عنهما فرستاد نجاشی
همانوقت آبریه نام کنیز خود را نزد وی فرستاده گفت
که رسول الله صلی الله علیه و سلم بمن نوشته که تزویج

کنتم ز امان حضرت صلی الله علیه و سلم پس ام حبیبه
رضی الله عنهما ازین بشارت خوشنود گمراذید و وعد
دست بر بخن یعنی کنگن هر دو دست و یک انگشتی
خود را بطریق انعام با برهم بخشید و درین مقدمه خالده بن
سعید را از طرف خود و کیل ساخت نجاشی وقت شام
جعفر بن ابیطالب را با جمیع مهاجرین جمع کرد و این خطبه
خواند * اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلْمَلِکِ الْقُدُّوسِ السَّلَامِ اَلْمُؤْمِنِ
اَلْمُهَيِّمِ الْعَزِیزِ الْجَبَّارِ الشَّهِدَانِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَ اَنْ مُحَمَّدًا
عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ اَرْسَلَهُ بِالْهُدٰی وَ دِیْنِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ
عَلٰی الدِّیْنِ کَلِمَةً وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُوْنَ * بعد از خواندن
این خطبه کراخ نجاشی گفت اما بعد پس اجابت کردم
آن چیز را که رسول خدا صلی الله علیه و سلم آنرا بمن گفته
فرستاد و چهار صد دینار سرخ پایش قوم انداخته
گفت که این قدر مهر مقدر ساختیم بعد از آن خالده بن
سعید و کیل طرف ثانی گفت * اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِی

اَحْمَدُهُ وَاسْتَغْفِرُهُ وَاسْأَلُهُ بِمَا نَزَلَ بِهِ الرُّسُلُ مِنْ قَبْلِهِ
 وَحَدَّثَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَانْصَرَفَ عَنْكُمْ وَرَسُولُهُ ارْسَلَهُ
 بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْتَقَىٰ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ
 الْمُشْرِكُونَ * اما بعد پس اجابت نمودم آن را که
 رسول خدا صلی الله علیه و سلم بان دعوت فرستاد
 و ترویج کردم ام حبیبہ بنت ابی سفیان را بار رسول
 خدا صلی الله علیه و سلم بنابر کلام رسول الله صلی
 الله علیه و سلم پس نجاشی آن دنیا را در انجا که بین
 سعید و اد و خالد آنها را در قبضه خویش نهاد پس
 مردمان چون خواستند که برخاسته بروند نجاشی از ایشان
 گفت نشینید که سنت انبیا علیه السلام اینست که
 بعد از کاح و چغیزی از قسم طعام تناول نمایند پس طعام
 طلبیده ایشان را خورانید بعد از آن متفرق شدند پسر نجاشی
 ام حبیبہ رضی الله عنہا را همراه شریکان بن حسنه کرده
 نزد آن حضرت صلی الله علیه و سلم فرستاد * اَلْکُلُّ

فَإِنَّ الْمَوَاحِشَ أَلَدَتْ نَبِيَّهُ * وَخَطْبُهُ سُومُ أَنْكِهِ دَرِشَكُوهُ
 شریعت بر دایت عبد الله بن مسعود رضی الله عنه
 واقع گردیده و آن مشهور و مشمول به عام زمانه است که
 قبل از نکاح آخر امی خوانند بعد از آن اِجَاب و قبول
 می کنند مرقوم می گردد * الْحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ
 وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهِ وَرِأْسِهِ وَنَسْتَعِينُهُ
 أَعْمَالِنَا مِنْ بَهْلِهِ اللَّهُ فَلَا مَضِلَّ لَهُ وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ
 لَهُ وَاشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَ إِلَّا وَأَنْتُمْ
 مُسْلِمُونَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ
 نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَكُمْ وَبَثَّ فِيهِمَا رِجَالًا كَثِيرًا
 وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
 عَلِيمًا كَرِيمًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا
 سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ
 يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا * بعد و قاضی

یا کسیکه مباشر نکاح باشد از مخاطب بگوید اما
 بعد پس سمات فلا فی بیت فلان را بمقتابله مهر
 گذارد و عقد نکاح نمود آدم مخاطب در جواب آن
 بگوید قبول کردم. ایجاب و قبول واقع گردید
 پس گفتن قاضی یا کسیکه خطبه نکاح بخواند این
 کلمات عقد را پیش مخاطب یا نزد ولی مخاطب
 ایجاب بگوید و آنکه در جوابش گفته شود از طرف
 مخاطب یا از طرف ولی مخاطب آنرا قبول می نامند و
 در صورت عکس یعنی اگر ابتدا از طرف مخاطب یا
 از طرف ولی مخاطب کلامی متضمن طلب تزویج یا
 مخطوبه یا بولی مخطوبه صادر شود آنرا هم ایجاب
 خوانند و آنچه در جواب آن از طرف مخطوبه یا بولی
 مخطوبه گفته شود آنرا قبول گویند حاصل کلام آنکه
 قول ادل را ایجاب و قول ثانی را قبول میگویند *
 ماله بیست و پنجم * اگر شخصی از جانب مخاطب یا

از طرف مخطوبه مرد دیگر بر او بگوید که مایان را از رسومات
 مردجه ایندیار چاره نیست موافق شرع باشند یا نه
 زیرا که محفل شادی بدون این امور مثل محفل مسیوم
 محبت میشود و مایان تابع رسوم اهل زمانه ایم شادی
 باشد یا عیسی شمار اختیار است که در خانه خود تا هر چه
 خواهید بکنید و مایان در خانه خود تا هر چه خواهیم بکنیم
 عیسی بدین خود موسی بدین خود بر مایان حکومت شما
 نمی رسد و درین صورت بر قائلین این کلمات از روی
 حکم شریعت چیزی میرسد یا نه و مردان طرف ثانی
 که باید حکم خدا و رسول اند شریک مجلس ایشان
 شوند یا نه * جواب کسیکه این کلمات بیهوده را بر زبان
 آورد از روی حکم شرع شریعت در حق وی گفتن
 اینچنین کلمات نهایت مذموم و قبیح خواهد شد چرا که حکم
 خدا و رسول را در مقابل رسومات مردجه سهل و
 سبک انگاشته و رسوم مردجه را که اکثر آنها مشتمل بر

کلمات آن و بدعت ضلالت است محکم و مضبوط کفر ذمه گویا
 کار دنیا را به امور آخرت ترجیح داده پس اگر دوی تا
 آخر عمر به همین نهج بسر کند خوف زوال ایمان است
 مَعَاذَ اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ مَا ذُكِرَ فِيهِ الْخَيْرُ وَإِذَا قَالَ
 الرَّجُلُ لَغَيْرِهِ حُكْمُ الشَّرْعِ فِي هَذِهِ الْحَادِثَةِ كَذَا
 فَقَالَ ذَلِكَ الْغَيُورُ مَنْ بِرِسْمِ كَارِ مَبْنُوعٍ بِشَرْعٍ نِي كَفَرٍ
 هَذَا بَعْضُ الْحَشَائِخِ * انتهى ویرالایم است که زود توبه
 کند و از رسومات خلاف شرع باز آید و اگر توبه نکند
 و بر آن اصرار نمود پس اصرار بر گناه کبیره منجر بکفر
 میگردد چنانچه صاحب فتاوی حمادیه از رساله امام شهاب
 الهامیه و الدین من نوادر البیان نقل میکند حُكْمِي عَنْ
 أَبِي نَصْرٍ الدَّبُوسِيِّ عَنِ الْقَاضِي طَهَيْرِ بْنِ الْخَوَّازِمِيِّ
 رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ مَجْعِ الْغِنَاءِ مِنَ الْمُغْنِيِّ أَوْ مِنْ
 غَيْرِ الْمُغْنِيِّ أَوْ يَرَى فِعْلًا مِنَ الْكِرَامِ فَحَسَنَ ذَلِكَ
 بِإِعْتِقَادٍ أَوْ غَيْرِ إِمْتِقَادٍ بِصِيَرٍ مَرْتَدٍّ فِي الْحَالِ بِنَاءً

مَا لِي أَنَّهُ أَبْطَلَ حُكْمَ الشَّرِيعَةِ وَمَنْ أَبْطَلَ حُكْمَ الشَّرِيعَةِ
 لَا يَكُونُ مُؤْمِنًا عِنْدَ كُلِّ مَجْتَمَعٍ وَلَا يَقْبَلُ اللَّهُ تَعَالَى
 طَاعَتَهُ وَاحْبِطَ اللَّهُ تَعَالَى كُلَّ حَسَنَاتِهِ وَبَانَ مِنْهُ أَمْرَاتُهُ
 فَإِنْ تَابَ لَا يَجِبُ الْقَتْلُ وَالْإِضْرَابُ عَنْقَهُ لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ
 السَّلَامُ مَنْ بَدَّلَ دِينَهُ فَاقْتُلُوهُ فَإِنْ قَتَلْتُمْ قَاتِلَ قَبْلِ
 عَرَضِ الْأَسْلَامِ كُرْهًا ذَلِكَ وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ أَنْتَهَى* وَإِذَا
 فِيهِ فَإِنْ صَحَّ التَّصَدِيقُ وَالْإِقْرَارُ بِالْتَّوْحِيدِ لَا يَكُونُ
 مَعَ انْكَارِ شَيْءٍ مِنَ الشَّرَائِعِ فَقَالَ مُحَمَّدٌ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي السَّيْرِ
 الْكَبِيرِ مَنْ انْكَرَ شَيْئًا مِنَ الشَّرَائِعِ فَقَدْ أَبْطَلَ قَوْلَهُ
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَكِي أَنْ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا رَجَعَ
 مُضْطَبَّانِ اسْفًا وَاسْتَمَعَ الصِّمَاحَ وَكَانُوا يُرْقِصُونَ حَوْلَ
 الْعِجْلِ وَيَضْرِبُونَ الدَّفُوفَ وَالْحَزَامِيرَ فَقَالَ هَذَا صُورَةُ
 الْفِتْنَةِ* أَنْتَهَى بِسْ جَانِبَهُ أُمُورٌ نَاشِرَةٌ وَمِثْلُ رَفْضِ
 دِالَاتِ الْهَوَا زَقْمِ مَعَارِزِ وَمَزَامِيرِ كَقَارِهِ وَدَهْلِ
 وَنَاشِئِهِ وَمَرْفَعِ وَجَنَاحِ وَرَبَابِ وَأَنْشِ بَازِي وَارْأَشِ

و غیره موجود باشند خواه در مجالس عقد نکاح و خواه در محفل
دیگر از تفریبات کدام شادنی باشند رقص و شریک شدن
آنجا از روی حکم شریعت جائز نیست بلکه حرام است
چنانچه در کتب فقہ و حدیث مشر و حامد کوراست *

قَالَ الشَّيْخُ عَبْدُ الْقَادِرِ الْجِيلَانِيُّ فِي كِتَابِهِ غُنْيَةِ
الطَّالِبِينَ هَذَا إِذَا كَانَ خَالِيًا عَنِ الْمُنْكَرِ فَإِنَّ حَضْرَةَ
مُنْكَرٍ كَالطَّيْلِ وَالْمِزْمَارِ وَالْعُودِ وَالنَّايِ وَالرَّبَابِ
وَالْمَعَازِفِ وَالطَّنَابِيرِ وَالشِّينِ وَالشَّابَابَةِ وَالْجَفْرِانِ
الَّذِي يَلْعَبُ بِهِ التُّرْكُ لَا يَجْلِسُ هُنَاكَ لِأَنَّهُ جَمِيعٌ ذَلِكَ
مُحْرَمٌ * انتهى و هر مسلمان را واجب است که از امور
منهیات و بمعصیت داز خاطر داری اهل بدعت اگر چه
اقرب اقربا باشند مثل مادر و پدر و خواهر و برادر و
دختر و پسر و زوجه و غیره اجتناب نماید * كما قال الله
تَعَالَى لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ
مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ

أَوْ أَخَوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ آلَ إِيْهِ وَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ
 وَالسَّلَامُ لَمَّا وَقَعَتْ بَنُو إِسْرَءِيلَ فِي الْمَعَاصِي نَهَتْهُمْ
 عُلَمَاءُهُمْ فَلَمْ يَنْتَهُوْا فَجَاءَ السُّوءُ فِي مَجَالِسِهِمْ وَآكَلُوهُمْ
 وَشَارَبُوهُمْ فَضَرَبَ اللَّهُ قُلُوبَ بَعْضِهِمْ بِبَعْضٍ فَلَعَنَهُمْ عَلَى
 لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى بْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا
 يَعْتَدُونَ كَذَلِكَ أَنَّى الشُّكُورَةُ وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى فَلَا تَقْعُدُوا
 بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * و نیز جایگاه
 منکرات شرعی با مشند حق دعوت لازم نمی شود
 چنانچه بیان شد در ولیمه گذشت * مسلمه بانست و ششم *
 سرود نمودن و زمیها با دف در محفل زنان و چیزی
 نقد و پارچه دادن آنها جائز است یانه * جواب در سرود
 مجمر و از آلات الهی اختلاف علماء است بعضی آن را
 مباح مطابق گفته و بعضی مکروه مطابق نوشته آمد و بجزم الراقین
 گفته که اصل مذموب حرمت است مطلقا * کما نقله
 فِي الدَّرَائِمِ حَيْثُ قَالَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَبَاحَ مُطْلَقًا وَ

مِنْهُمْ مَنْ كَرِهَهُ مُطْلَقًا وَفِي الْمَعْرُوفِ الْمَذْهَبُ حَرْمَتُهُ
 مُطْلَقًا فَانْقَطَعَ الْأَخْتِلَافُ بَلْ ظَاهِرُ الْإِهْدَايَةِ أَنَّهُ كَبِيرَةٌ
 وَلَوْ لِنَفْسِهِ * انْتَهَى عِبَارَةُ الدَّر * وَفِي الْحَمَادِيَةِ عَنِ
 النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ رَجُلٍ يَرْفَعُ صَوْتَهُ
 بِالْغِنَاءِ إِلَّا بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ شَيْطَانَيْنِ أَحَدُهُمَا
 عَلَى هَذَا الْمَنْكَبِ وَالْآخَرُ عَلَى هَذَا الْمَنْكَبِ
 فَلَا يَزَالَانِ يَضْرِبَانِهِ بِأَرْجُلِهِمَا حَتَّى يَكُونَ هُوَ الَّذِي
 يَهْكُتُ * انْتَهَى وَزِدْنِ دَف بِنِ تَغْنِي بَرَاهِمِ اِعْلَانِ نِكَاحِ
 مَبَاحِ اسْت * كَمَا قَالَ فِي الْإِهْدَايَةِ فَمَا طَبِلَ الْغَزَاةَ
 وَالْدَفِ الَّذِي يَبَاحُ ضَرْبُهُ فِي الْعُرْسِ يَضْمَنُ بِالْإِتْلَافِ
 مِنْ غَيْرِ خِلَافٍ * پَس از عبارت هدایه و در مختار
 معلوم شد که غنا و در اصل مذاهب مباح است و زدن
 دَف بِنِ تَغْنِي مباح است بر ای اعلان نیکاح * کَمَا فِي
 تَشْبِيهِهِ الْأَمَامِ مِنَ الْهَرَا جِي * مضایقه نیست بشب
 عردسی زدن دَف بنا بر اعلان نیکاح و قریکه دَف جلاجل و در

نباشد و در نواختن آن نیت لعب و هسر و نباشد بر آنکه مکروه
 است لعب و غنا و نیز در آن است که شنیدن ملایم معصیت
 است و نشستن بر آن فسق اما در نواختن بنا بر اعلان ترویج
 چنان باید زد چنانکه طبل را می نوازند انتهی * وَفِي الْحَمْدِ لِلَّهِ
 قَالَ الْمُعَلَّى قَالَ أَبُو الْمَهْجَرِ أَخْبَرَنَا أَبَانٌ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ
 عَنْ الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَرِهَ لَكُمْ الْخُمُورَ وَالْمَيْهَرَةَ
 الْمَرْمَازَ وَالْمَعَاذَ وَالْكُوبَةَ وَالدَّفَّ فَسَأَلْتُ
 أَبَا الْمَهْجَرِ كَيْفَ كَانُوا يَضْرِبُونَ الدَّفَّ عَلَى عَهْدِ
 رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَتَالَ كَانَتِ الْمَرْأَةُ إِذَا
 كَانَ مَلَكَ تَأْخُذُ بِالْغُرْبَالِ وَعَوْدٌ فَتَصْعَلُ وَتَضْرِبُ
 بِالْعَوْدِ عَلَى الْغُرْبَالِ تَسْمِعُ النَّاسَ أَنَّهُ مَلَكَ * انتهی
 اما سه و د نمودن و د و منی با د ف اگر چه در محفل
 زنان باشد حائز نیت زیر آنکه درین صورت جمع کردن
 است در میان مباح و حرام و جایکه مباح و حرام جمع

شود حرام را نه بر هیچ دینند * کَمَا قَالَ فِي الْأَشْبَاهِ إِذَا
 اجْتَمَعَ الْحَلَالُ وَالْحَرَامُ غَلِبَ الْحَرَامُ وَبِمَعْنَاهَا
 مَا اجْتَمَعَ مَحْرُومٌ وَمُحَرَّمٌ الْغَلِبُ الْمَحْرُومُ * انتهى پس دادن
 نقد و پارچه بمانا اجرت سرود شد و دادن و گرفتن
 اجرت بر غنای حرام است چنانچه عبارت هدایه که در
 کتاب الاجاره واقع است برین معنی دلالت دارد
 وَلَا يَجُوزُ إِلَّا اسْتِيجَارُ عَلَى الْغِنَاءِ وَالنَّوْحِ وَكَذَلِكَ أَمَّا الْإِذَا هِيَ
 لِأَنَّهُ اسْتِيجَارٌ وَعَلَى الْمُعْصِيَةِ وَالْمُعْصِيَةُ لَا تُسْتَحَقُّ
 بِالْعَقْلِ * انتهى چون ضرب دَفْ بال غنی برای اعلان نکاح
 مباح است پس ظاهر دادن و گرفتن و چیزی بر آن هم
 مباح خواهد شد حاصل جواب آنست که دَوْم و دَوْنی
 یعنی غنی و مغنیه اگر ضرب دَفْ را با غنی جمع کنند
 ایشانرا اگر گرفتن اجرت بر آن جائز نیست پس
 دهنده را هم چیزی نقد و پارچه دادن بر آن جائز نخواهد
 شد * سَأَلَهُ اسْتِ وَهَشْتَمُ * وقت رخصت شدن برات

حسب مقدور برای دادن کمبختان یعنی باهمل خدمت
 از قوم ارذل چربی نقد از قسم دراهم و دنانیر بوالیان
 مردس داده باز پس می آیند ذر بیت اهت بانه * جواب
 صرف کردن مال ذر بن قسم چیزها اگر به نیت احسان
 و سبوسک باشد جائز است و اگر برای نام آوری
 در راه و سسمه صرف کنند جائز نیست اکثر مردمان در
 صرف نمودن این چیزها پابند رسم می باشند بنا بر آن
 برای نام صرف می کنند قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 مَنْ مَسَّحَ اللَّهُ بِهِ مِنْ يَرَأْيِي يَرَأْيِي اللَّهُ بِهِ كَذَّابٌ الْمَشْهُورَةُ
 * مسأله بیست و هشتم * وقت رخصت شدن برات فقراء
 و مساکین از مسلمانان و قوم هندی و جمع می بینند ایشانرا
 چربی دادن و تقسیم نمودن جائز است بانه * جواب
 اگر آنوقت بطریق شکر یا تصدق بقفراء و مساکین
 مرد و گمراهه چربی دهند جائز است بلکه مستحب زیرا که
 در حدیث شریف آمده مَنْ سَأَلَ بِاللَّهِ فَأَعْطُوهُ كَذَّابٌ

اَلْمَشْكُورَةِ * و اگر برای نام آوری بدهند جائز نیست
 زیرا که درین امور اعتبار نیست است قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّهَا أَعْمَالُ بَالِيَمَيَاتٍ مُتَّفِقٌ عَلَيْهِ
 وَهَمَقٌ كَرْدَنِ بَرَايِ فُتْرَاوِ مَسَاكِينِ هِجْكَاهِ مَمْنُوعِ نَبِیست
 چنانچه در مشکوّه شریف آمده عَنْ بَهْمِیَّةَ عَنْ أَبِيهَا
 قَالَتْ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الشَّيْءُ الَّذِي لَا يَحِلُّ مَنَعُهُ قَالَ
 الْجَاهُ قَالَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مَا الشَّيْءُ الَّذِي لَا يَحِلُّ مَنَعُهُ قَالَ
 الْجِلْمُ قَالَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مَا الشَّيْءُ الَّذِي لَا يَحِلُّ مَنَعُهُ قَالَ
 أَنْ تَفْعَلَ الْخَيْرَ وَخَيْرُكَ لَكَ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَنِسْرُورُ حَدِيثُ
 قَدْحِي دَارِدُثُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يَا ابْنَ آدَمَ أَنْفِقْ عَلَىكَ
 * سَلَامٌ بَبِیست وَنَهْمُ * هِجْزِي نَقْدِ وَغَلَمِ وَنَانِ نَحْمِ بَرَايِ
 تَقْدِیْمِ مَحْتَا جَانِ هَمْرَاهِ جَنَازَهِ بَرْدَنِ بَعْدِ مِیْتِ دَرِیست
 است بَانَه * جَوَابِ تَقْدِیْمِ كَرْدَنِ نَقْدِ وَغَلَمِ وَغَبْرَه بَعْدِ
 مِیْتِ اَزْ نَرَكِهْ آن بِرِ مَحْتَا جَانِ بِرِ نِیْتِ ثَوَابِ جَائِزِ است

بث مرطیکه وارثانش کبار باشند و اگر در ثمر آن میت
 مغار اند بدون تقدیم نه که تصدق جائز نیست و بردن
 این، جز همراه جنازه و رسم جاهلیت است از شرع
 شریعت ثابت نیست و چیزیکه نظیرش در اصل
 شریعت یافت نمی شود که در آن چیز مکروه است
 با حرام اما دادن تصدق بفقراء و مساکین برای ثواب
 میت بی آنکه همراه جنازه بپزند جائز است زیرا که برای
 ثواب میت در آن چیزیکه به محتاجان میدهند مستحب
 آنست که بی روی در یاد بی تعیین وقت و روز باشد
 و لابد عت می گردد درین صورت در دادن آن پیغمبر
 ابسان را خالی از کراهت نخواهد شد * وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ
 يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * سوره نسی ام * ثواب
 عبادت بدنی و مالی برای میت بعد وفات میرسد
 مانده * جواب نزد علماء حنفیه ثواب عبادت بدنی و مالی
 به میت می رسد چنانچه در پاره ای مرقوم است *

اِنَّ الْاِنْسَانَ لِرَبِّهِ اَفْكِرُ ^{اَوْ يَجْعَلُ ثَوَابَ عَمَلِهِ لغيره صلوة}
^{اَوْ صوماً او صدقة او غيرهما عند اهل السنة والجماعة}
 * انتهى وفي شرح الصدور للسيوطي * اخرج الطبراني في
 المعجم الاوسط عن انس قال سمعت رسول الله صلى الله
 عليه وسلم يقول ما من اهل بيت يحوت منهم ميتة
 فيموت قرون عنه بعد موته الا اهلها له جبريل على طين
 من نور ثم يقف على شفير القبر فيقول يا صاحب القبر
 اعميتك هذه هدية اما اليك اهلك فاقبلها
 فتدخل عليه فيفرح ويستبشرو ويحزن جيرانه
 الذين لا يهدى اليهم شيء وايضا فيه عن ابي هريرة
 قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله تعالى
 لم يرفع الله زوجة للمعبود الصالح في الجنة فيقول
 يا رب اني لي بهذه فيقول باستغفار ولدك * انتهى
 وشيخ عبد الحق محدث دهلوي قدس سره در جامع
 البركات منتخب شرح مشكوة نوحته در حصول

ثواب و وصول نفع اموات را ابعدا دستمالیه انفاق
 است و در بدیه مثل نماز گزاردن و قرآن خواندن
 اختلاف و اصح وصول است * كَذَاقَالَ الشَّيْخُ ابْنُ
 اَلْمُمَامِ رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ * مَثَلُهُ * مِثْلُكُمْ * دستور
 است که بعد دفات اهل قرابت و همسایگان میت
 طعام بخانه دی می دهند تا چند روز در آن طعام باهل
 مصیبت جائز است یا نه * جواب مستحب است که
 همسایگان و اقربای میت برای صاحبان مصیبت طعام
 تیار کرده تا یک شبانه روز بقدر سعری شکم ایشان ارسال
 نمایند چنانچه در برهان شرح مواهب الرحمن نوشته است *
 وَيُسْتَحَبُّ لِلْمُحْسِنِينَ وَاهْلِ الْبَيْتِ وَالْأَقْرَبَاءِ الْأَبَاعِلِ تَهْنِئَةً
 طَعَامٌ لَهُمْ يَشْبِعُهُمْ يَوْمَهُمْ وَلِجُلَّتْ أَنْتَهُي * وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ
 بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ لَمَّا جَاءَ نَعْيَ جَعْفَرٍ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اصْنَعُوا لِأَهْلِ جَعْفَرٍ طَعَامًا فَإِنَّهُ قَدْ جَاءَهُمْ
 مَا يَشْغَلُهُمْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَهَكَذَا فِي الْمَشْكُورَةِ صَحَّ

فَرَّقَ بَعْضُ الْأَلْفَاظِ * و در جامع البرکات می نویسد که از بن
 حدیث دلایل الهی بر آنکه مستحق است نوبت ایشان و
 همسایگان و دوستان بر اهریبه طعام مرا اهل میت را و بعضی
 گفته اند که فرستادن برای اهلان مصیبت روز اول
 غیر مکرر است از جهت شغل و تجمیع میت و در روز
 دوم مکرر است اگر زنان نوچه گم جمع شوند از جهت
 بودن آن اعانت بر ائمه و ده دان و اختلاف کرده اند
 در اکل غیر اهل مصیبت آن طعام را و ابو القاسم
 گفته که باک نیست هر کسی را که مشغول است
 به تجمیع میت کذا فی مطالب المومنین انتهی *
 * سئله سید و دوم * در تعزیت میت و رفتن
 و نه روز دست برداشته سوخته فاخته خواندن جائز است
 یا نه * جواب رفتن برای تعزیت میت جائز است و
 دعای مغفرت برای وی نمودن مستحب است و همچنین
 دعای صبر برای اهلان میت چنانچه در فتاوی عالمگیری

مرفوم است و یَسْتَحِبُّ أَنْ يُقَالَ لِصَاحِبِ الْمَعْرِيَةِ غَفَرَ
 اللَّهُ تَعَالَى لِمَيْتِكَ وَتَجَارَ زَعَمُهُ وَتَغَمَّدَهُ بِرَحْمَتِهِ وَ
 زَرَقَكَ الصَّبْرَ عَلَى مُصِيبَتِهِ وَآجَرَكَ عَلَى مَوْتِهِ كَذَا فِي الْمَضْمُونِ
 فَا فَلَا عَيْنَ الْحُجَّةِ وَأَحْمَنُ ذَلِكَ تَعْرِيزُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ مَا أَخَذَ وَلَهُ مَا أُعْطِيَ وَكُلُّ شَيْءٍ
 عِنْدَهُ بِأَجَلٍ مُّسَمًّى * انهنی امامت برداشتن برای
 دعا وقت تعزیت ظاهر اجوازا است زیرا که در حدیث
 شمریغ رفع یدین در دعا مطلقاً ثابت شده پس درین
 وقت هم متعاقباً ندارد و بیکرهم تخصیص آن برای دعا وقت
 تعزیت ماثور نیست والله اعلم * سُبْحَانَ سُبْحَى وَسُبْحَى
 جهت تعزیت تا چند روز بخانه میت رفتن جائز است
 یا نه * جواب تعزیت نمودن از وقت موت تا سه
 روز جائز است و بعد از روز تعزیت کردن مکروه
 است مگر تعزیت کننده یا یک بیکه نزدی برای تعزیت
 بروند غایب باشد پس درین صورت بعد از روز

هم اگر تعزیت کنند جائز است و باید که برای تعزیت یکبار
 بروند چون یکبار از تعزیت فارغ شده باشند بار دیگر
 رفتن برای تعزیت نمیشاید کَمَا فِي الْعَالَمِ بِحِرَّةٍ وَرَوَى
 الْحَسَنُ عَنْ زِيَادٍ إِذَا عَزَى أَهْلَ الْمَيِّتِ مَرَّةً فَلَا يَنْبَغِي
 أَنْ يَعْزِيَهُ مَرَّةً أُخْرَى وَوَقْتُهَا مِنْ حِينَ يَمُوتُ إِلَى ثَلَاثَةِ
 أَيَّامٍ وَيَكُونُ بَعْدَ مَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ الْمَعْزِي أَوِ الْمَعْزَى إِلَيْهِ
 غَائِبًا فَلَا بَأْسَ بِهَا * انتهى و در جامع البرکات آورده
 که مستحب است تعزیت پیش از دفن و بعد از وی
 تا سه روز و معنی تعزیت تسکین و تسکین یافتن فرمودن
 است مصیبت زده را و عراب معنی مبر است و کرده
 است که بنشینند بر در خانه نمود مردم جمع شوند و تعزیت
 نمایند بلکه چون از دفن فارغ شوند برگردند و متفرق شوند
 و صاحب میت بکار خود مشغول گردد و مردم نیز بکارهای
 خود مشغول گردند و تعزیت زیاده از یکبار نباید کرد و
 بعضی مشایخ بخارا گفته اند که تعزیت حاضر سه روز است

و تعزیت غایب یک روز و بعضی گفته اند باک نیست
 به نشستن تا سه روز در خانه یا در مسجد و آن حضرت
 بعد از شنیدن خبر قتل جعفر بن ابی طالب و زید بن
 حارثه و عبد الله بن رواحه در مسجد نشست و مردم می آمدند
 و آنچه مردم روزگار از تکلفات کنند صوم روز از فرش
 انداختن و خیمه زدن و طیب ها قسمت کردن و امثال
 آن همه بدعت شنیع و نامشروع است * تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ
 وَ عَفَا عَنْهُمْ اَنْتَهی * سَلَامٌ سِی و چهارم * دستور
 است که بر دوسوم مردمان جمع شده برای تعزیت
 بخانه مییت می روند و در آنجا مجتمع شده کلمه طیب و سوره
 اخلاص خوانده به مییت می بخشند و تقسیم شیرینی می کنند
 جائز است یا نه و مقرر ساختن روز سوم و دهم و سیم و چهلم
 و غیره درست است یا نه * جواب اصل تعزیت
 کردن برای اهل مییت جائز است کَمَا مَرَّ آفَ الْبَکَرِ اِجْتِمَاعُ
 نمودن روز سوم و چهرنی خواندن در آن روز با جمیع صلوات

و قراء برای ختم قرآن یا برای ختم یک سوره از آن
 مکرده است * کَمَا فِي نِصَابِ الْأَخْتِصَابِ أَنَّ خَتْمَ
 الْقُرْآنِ جَهْرًا بِالْجَمَاعَةِ وَيَعْمَى بِالْفَارِسِيَّةِ سِتْرًا
 نَوَادِنِ مَكْرُوهَةٍ * انتهى و همچنین مقرر ساختن روز سوم
 و دوم و غیره و پنجن طعام و یا نخا ذرعت و طعام بقدر آن
 خوانی درین روز مکرده است چنانچه در فتاوی بر ازیه
 می نویسند * وَيُكْرَهُ اتِّخَاذُ الطَّعَامِ فِي الْيَوْمِ
 الْأَوَّلِ وَالثَّالِثِ وَبَعْدَ الْأَسْبُوعِ وَنَقْلُ الطَّعَامِ إِلَى
 الْقَبْرِ فِي الْمَوَاسِمِ وَاتِّخَاذُ الدَّهْرَةِ بِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَجَمْعُ
 الصَّالِحِينَ وَالْفُقَرَاءِ لِلْخُتْمِ وَالْقِرَاءَةِ سُورَةِ الْأَنْعَامِ أَوِ الْإِخْلَاصِ
 وَيُكْرَهُ اتِّخَاذُ الضِّيَافَةِ مِنْ أَهْلِ الْحِمَى لِأَنَّهُ شُرْعٌ فِي
 السُّرُورِ لَا فِي الْحُزَنِ وَهِيَ بَدْعٌ مُسْتَقْبَحَةٌ كَمَا نَقَلَهُ
 الْمُصَنِّعُ شَارِحُ مَنِيَّةِ الْمُصَلِّي عَنْهُ وَفِي فَتْحِ الْقَدِيرِ
 وَيُكْرَهُ اتِّخَاذُ الضِّيَافَةِ مِنْ أَهْلِ الْحِمَى لِأَنَّهُ شُرْعٌ فِي السُّرُورِ
 لَا فِي السُّرُورِ وَهِيَ بَدْعٌ مُسْتَقْبَحَةٌ * و در زاد المراد

آزاده که اجابت کردن طعامیکه از بهر مرده ساخته باشند
 مکروه است سه روز و هفته و ماهیان و سالبان و آن طعام
 مرعاه و فضله را مکروه است * قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ طَعَامُ
 الْمَيِّتِ يُمِيتُ الْقَلْبَ وَطَعَامُ الْمَرِيضِ يَمْرِضُ الْقَلْبَ
 * و در نوادر هشام آمده که مکروه است اجابت کردن
 طعامیکه بجهت روح مرده کرده باشند انتهى * وَهَكَذَا فِي
 قِرَاءَتِي وَغَيْرِهِ مِنَ الْفَتَاوَى الْمُعْتَبَرَةِ شَرْقًا وَغَرْبًا
 اما ساختن طعام برای فقراء و مساکین بی تعیین روزی
 ازین روز تا با از غیر این روز تا پس جائز است *
 كَمَا قَالَ الْجَزَائِي وَإِنْ اتَّخَذَ طَعَامًا لِلْفُقَرَاءِ كَانَ حَسَنًا *
 انتهى و در جامع البرکات مرقوم است و آنچه نیست تصدق
 بر فقراء از اسوات پزند تا ثواب آن بایشان برسد
 بر فقیر را ردان بود چه تصدق بر فقراء می باشد و هدیه مراغبی را
 انتهى و چیزی خواندن و دست برداشتن بر طعام و غیره
 بطریق فائده مردود همیش از تناول آن طعام از علما می

خلف ماثور نیست بلکه در همین شریفین کسی از اهل
فصل و کمال که از زمان آن حضرت صلی الله علیه و سلم تا حال
شرف اقامت آن دیار منبر که یافته آمده طریق فاتحه بر طعام
و شیرینی قبل از خوردن آن نمیدانند آری گمانیکه از ملک
هند برای زیارت کعبه شمر بقعه رفته اقامت آنجا اختیار
نموده اند البته بعضی از ایشان بحسب عادت اهل هند
مرکب اینچنین امر جدید در خانه های خود میباشند اما چون علماء
آنجا از بن هرکات خبردار می شوند زجر می فرمایند و طریق
علماء ساهت همین بود که بعد خوردن طعام دعای مغفرت
برای اهل ضیافت می کردند بکنایه فی جامع البرکات
و در شرح شریعت الاسلام آورده * **وَاللَّعْنَةُ عَوَايَ**
الضَّيْفُ لَصَاحِبِ الطَّعَامِ بِالْمَرْكَهَةِ وَالرَّحْمَةُ وَالْمَغْفِرَةُ
بِأَن يَقُولَ اللَّهُمَّ بَارِكْ لَهُ فِيمَا رَزَقْتَهُ وَيَسِّرْ لَهُ أَنْ يَفْعَلَ
خَيْرَ مَا مِنْهُ وَقِنَهُ بِمَا أَعْطَيْتَهُ وَاعْفِرْ لَهُ وَارْحَمَهُ وَاجْعَلْنَا
وَأَيَّاهُ مِنَ الشَّاكِرِينَ * و نیز درین کتاب نوشته

است * وِیَسْمِیَ التَّسْمِیَةَ فِیْ اَوَّلِهِ فَاِنَّ نِیْسِیَ
التَّسْمِیَةَ فِیْ اَوَّلِهِ فَاِنَّهُ یَقُولُ وَلَوْ فِیْ اٰخِرَةِ حِیْنَ
یَذْکُرُ التَّسْمِیَةَ بِهٖ سَمِیَ اللّٰهُ اَوَّلُهُ وَاٰخِرُهُ
وَلِیَقْرَأْ سُوْرَةَ الْاِخْلَاصِ اِذَا فَرَغَ مِنْ الْاَسْطِ * اِنْتَهی

وچیزیکه از سلف بر وجه عبادت منقول شد که در آن
آنچیز بدعت است و کُلِّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ * سَمَاءُ سَمِی
و پنجم * دستور است که حفاظ را انوکرداشتن منعیست
میسازند تا ختم کلام الله بمیت بخشند جائز است یا نه *
جواب درین مسئله روایات مختلف آمده از بعضی کتب
فقه چنان معلوم میشود که حافظان را نزد قبر نشاندن مکروه
است و استحقاق ثواب قرائت قرآن نه میت را میشود
و نه قاری را * کَمَا فِیْ خَزَائِنِ الرَّوَایَاتِ وَفِی الشَّاهَانِ
اَجْرُهُ الْقُرْآنِ مِثْلُ اَنْ یَّهْتَا جِرَاجًا لِّیَقْرَأَ الْقُرْآنَ عَلٰی
رَاسِ الْقَبْرِ قِیْلَ هَذِهِ الْقِرْآةُ لَا یَسْتَحِقُّ بِهٖ الثَّوَابُ لَا
لِلْمَمِیَّتِ وَلَا لِلْقَارِئِ اِنْتَهی * وَفِی نِصَابِ الْاِحْطِیَابِ اِنْخَاذُ

الْقَارِئُ عِنْدَ الْقَبْرِ بِدَعَاً وَلَا مَعْنَى لِصَلَةِ الْقَارِئِ
 لِقَرَأَتِهِ وَلَمْ يَفْعَلْهُ أَحَدٌ مِنَ الْخُلَفَاءِ وَالصَّحَابَةِ دُضِيَ
 اللَّهُ عَنْهُمْ * واز روایت در مختار معلوم میشود که شایسته
 حفاظ نزد قبر مکروه نیست * کما قال لا یکره اجلاس
 القارئین عند القبر وهو المختار * پس در صورت
 اختلاف احسب قوا بعد اصول فقه عمل بالا احتیاط میکنند و
 آنرا صاحب محال پس و اعظم بیان کرده * و تو قرأ فی
 بیتته و اهدی ثوابها الیهم بان قال بلسانه بعد فراغه من
 قراءته اللهم اجعل ثواب ما قرأته لاهل القبور و لوصول
 الیهم لان هذا دعاء بوصول الشراب الیهم و الدعاء
 یصل بلا خلاف فلا یحتاج الی ان یقرأ علی قبورهم
 انتهی والله اعلم و علمه احکم * مسلم سنی و ششم *
 مقبر و ساخن روی و زعرس و تقدیم طعام بر محتاجان
 و دوز بر ادومی بطور بهاجی درست است بانه و ثواب
 آن بمیت می رسد بانه و آنچه مشهور است که شب جمعه و

غیره روح میت بخانه خود آمده باد از نرم می گوید که ای
وارثان من چیرنی صدقه کنید این روایت در کتب معتبره
حدیث آمده است بانه * جواب مفسر و مفسرین روز عرس
جائز نیست چنانچه قاضی شمس الدین پائی پنی در تفسیر مظهری
می نویسد * لَا يَجُوزُ مَا يَفْعَلُهُ الْجُهَّالُ لِقَبُورِ الْأَوْلِيَاءِ
وَالشَّهَدَاءِ مِنَ السُّجُودِ وَالطَّوَافِ حَوْلَهَا وَاتِّخَاذِ الْمَرْجِ
وَالْمَسَاجِدِ إِلَيْهَا وَمِنَ الْأَجْتِمَاعِ بَعْدَ الْجُؤْلِ كَالْأَعْيَادِ
وَيُسَمُّونَهُ عَرَسًا * انبهی و تقسیم طعام به نیت ثواب
بی تعین بوم جائز است و کسی در منع آن دم نزده اما
طعامیکه بعد میت نیارد می کنند و آنرا بخش بخش کرده خانه
بخانه می رسانند و آن را بهاجی می نامند اعتباری ندارد
و برای آنکه توقع ثواب در آن طعام نیست چنانچه شیخ
عبدالحق در جامع البرکات می نویسد و آنکه بعد از سالی
یاشش ماهی یا چهل روز در بهی دیار پرند و در میان برادران
بخش کنند آن را بهاجی گویند چیرنی داخل اعتبار نیست

بهتر آنست که نخورند انتهی و هم چنین شینخ الاسلام
 این عبارت شینخ را نمسک کرده بعینه در کشف
 الغطا ایراد نموده است و آنچه در بعضی روایات آمده
 که روح مبت بخانه خود در بعضی شبها مثل شب جمعه و
 شب برات و شب عرفه و غیره می آید این روایات در
 کتب صحاح سه نیست و نادقتی که روایات صحیح مرفوعه
 متصل الاسناد نباشد از درجه اعتبار ساقط است اگرچه
 بعضی آن را در کتاب خود نقل کنند بلکه بعضی علماء محدثین
 مثل ما علی قاری و شینخ الاسلام و غیره این روایات
 را تضعیف هم فرموده اند و شینخ عبدالحق علیه الرحمته
 این روایات را در جامع البرکات به بیان غرابت آن
 آورده چنانچه می گوید که در بعضی روایات غریبه آمده
 است که روح مبت می آید خانه خود را شب جمعه پس
 نظر می کند که تصدق می کنند از وی یا نه و الله اعلم انتهی *
 مسئله سی و هشتم * قبر و چو تیره و چار دیواری و گنبد از

خشت و چون تعمیر ساختن جائز است یا نه و اگر گردد
 قبر را برای حفاظت آب از چونه پخته سازند و نمویز
 قبر را خام دارند درست است یا نه * جواب پخته
 ساختن قبر و تعمیر نمودن گنبد و چار دیواری و چوبه
 نزد قبر جائز نیست چنانچه در حدیث شریف بروایت
 مسلم آمده * نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ
 يُجَصَّصَ الْقَبْرُ وَأَنْ يُبْنَى عَلَيْهِ وَأَنْ يُقَعَلَ عَلَيْهِ *
 و در مواهب الرحمن نوشته * وَيُحْرَمُ الْبِنَاءُ عَلَى
 الْقَبْرِ لِلزَّيْنَةِ وَيُكْرَهُ الْأَحْكَامُ بَعْدَ الدَّفْنِ انْتَهَى
 وَكَذَلِكَ أَيْ الْعَالَمُ كَيْدِيَّةٌ * و صاحب تحفه الملوک
 مینویسد دنیا کردن از چونه گردد قبر برای حفاظت از
 آب کمرده است زیرا که قبر و توابع آن موضع استحکام
 نیست پس چنانچه قبر را خام داشتن بهتر است
 هم چنان گردد و اگر خام باید داشت انتهی امام مرت نمودن
 قبر شکسته از گل لا بائسن به است چنانچه در کتاب

فقه مدگور است * فی العسل کبریه واذ اخبریت
 القجور فلا بآ من بتطیمنها کذا فی التقاتر حائیه *
 انتهی دینر. شیخ عبدالحق در جامع البرکات آورده که
 در حدیث از امیر المؤمنین علی رضی الله عنه آمده که آن
 حضرت صلی الله علیه و سلم فرستاد و ابراهیم جاسورنی
 و تمثالی به بیند محو نماید کند و هر جا قبری بلند بیند پندت
 و هموار کند چنانکه بر زمین نهد و یک باشد و در حدیث
 جابر آمده که آن حضرت صلی الله علیه و سلم نمی کرد
 از گنج که در گور و گفته اند که اگر که گنج کنند تا ویران
 نگردد درست است انتهی * سئام سسی و هشتم * خواندن نماز
 جمله بر چارپائی خواندن کلمه طیب بطریق چهار با خفیه همراه
 جنازه و گسترده فرش ز بر میت در قبر و تلقین کردن میت
 بعد از آن و خواندن نماز هول برای میت و بشمار چهل
 قدم رفته باز گردیدن نزد قبر بعد از دفن جائز است یا نه
 * جواب خواندن نماز جنازه بر چارپائی جائز است زیرا که

لعش مبارک آن حضرت صلی الله علیه و سلم را بر
 سر بر نهاده نماز جنازه خوانده اند و اهل عرب تحت و
 چارپائی و غیره را سر بر می گویند چنانچه در قاموس
 مرقوم است که * أَشْرَاطُ خُوصٍ صَفَتْهُ وَلَاشْرَاطُ بِلِ
 السَّرِيَّةِ وَنَحْوَهُ وَالْخُوصُ بِالضَّمِّ وَرَقُ النَّخْلِ * انبئی
 یعنی شریط بر مرکب درخت خرما است که آن را نافه
 بصورت رسن یا یک تبار می کنند و از آن سر بر را
 می بافند پس این سر بر را در عرف یا در سیان چارپائی
 و در عرف اهل هند که است می نامند چنانچه شیخ عبد الحق
 در ترجمه مشکوٰۃ شریف در بیان ترجمه سر بر فرموده
 که در هندی آن را اکوت گویند پس لفظ سر بر در
 لغت عرب عام است که اطلاق آن بر تحت و چارپائی
 و امثال ذلک آمده * فَمَنْ يَمْنَعُ صَلَاةَ التَّحَاذُّبَةِ عَلَى هَذَا
 الصَّرِيحِ فَقَدْ لِكَ مِنْ جَهْلِهِ بِمَحَادِرَاتِ الْعَرَبِ * و خواندن
 کلمه طیب بطریق جهرا همراه جنازه مکروه است و اگر آهسته خوانند

آنرا چنانکه آواز آن بدیگران نرسد مضایقه ندارد *
 كَمَا فِي الْعَالَمِ كَيَرِيَّةً وَهِيَ مُتَّبِعِي الْجَنَازَةِ لِصَمْتِ
 وَيَكْرَهُ لَهُمْ رَفْعُ الصَّوْتِ بِالذِّكْرِ وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ كَذَا
 فِي شَرْحِ الطَّحَاوِيِّ خُتَابُ ارَادَانِ يَذْكُرُ اللَّهُ يَذْكُرُهُ
 فِي نَفْسِهِ كَذَا فِي فِتَاوَى قَاضِي خَان * انندی و کس ندن
 فرش زیر مہبت در قبر مکروه است نزد جمهور از علماء
 مدائیب اربعه و انداختن چادر زیر جسد مبارک
 آن حضرت صلی الله علیه و سلم در قبر شریف حسن
 آن مخصوص است بدات مقدس وی صلی الله علیه و سلم
 هَكَذَا فِي الْمَوَاهِبِ اللَّذْنِيَّةِ وَفِي شَرْحِ مُلَّا عَلِيِّ الْقَارِعِيِّ
 لِكَلِمَةِ مُخْتَصَرًا وَانْصَوَابَ كَرَاهَةً ذَلِكَ كَمَا قَالَ
 الْجَمْهُورُ الْقَطِيفَةُ الْقَاهَا شَقَرَانِ بِلَا امْرِئٍ صَحَابَةٍ
 قَالَ بَعْضُهُمْ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ خَصَالَتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ *
 و در جامع البرکات حدیثی در باب دفن آورده که در
 بیان شرح آن مدائیب جمهور و سبب القای ردای

مبارک در قبر شریف نقل کرده چنانکه گفت *

مَنْ ابْنُ عَبَّاسٍ جُعِلَ فِي قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَمَلِمَ قَطِيفُهُ حَمْرًا * کرده اند که در قبر آن حضرت
در زبردی صلی الله علیه وسلم قتیفه سرخ و قتیفه رواینگه
بریشه دهرز باشد و آنرا خمبله نیز گویند و مخمل هم باین
معنی است و سبب انداختن آن در قبر شریف آن
می گویند که شقمران که مولی آن حضرت صلی الله علیه
و سلم بود بی امر صحابه رضی الله عنهم در ضای ایشان انداخت
ناکسی بعد از آن حضرت صلی الله علیه وسلم آنرا
پوشد و در زبر نه اندازد و استعمال نکنند و علماء جامع
در نه انداختن مرد در اکبر و نه میدارند از جهت آنکه نصیب
داسد اف است و بعضی می گویند که آن از خواص نبوت
است زیرا که آن حضرت صلی الله علیه وسلم زنده است
در قبر و آمد است که صحابه بعد از دفن خواستند که بر آرند
باز خوش نداشتند کشف قبر را بعد از دفن و الله اعلم

انتہی و تلقین وقت نزع قبیل از موت با جماع ثابت
 شدہ بلکہ مستحب است اما تلقین مبحث بعد از موت
 پس در آن اقوال و اہل علم است در ظاہر و اجابت آنست
 کہ تلقین نکنند و در بعضی روایات آید است کہ
 نزدیک نزع و نزدیک دفن ہر دو تلقین کنند چنانچہ
 در فتاوی عالمگیری مرقوم است * وَلَقِنَ الشَّهَادَتَيْنِ
 وَصُورَةَ التَّلْقِينِ اَنْ يَقَالَ عِنْدَهُ فِي حَالَةِ النَّزْعِ قَبْلَ
 غُرُغْرَةِ جَهْرًا وَهُوَ يَسْمَعُ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَاشْهَدُ اَنْ
 مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَقَالُ لَهُ قُلْ وَلَا يُلْحَقُ عَلَيْهِ فِي
 قَوْلِهَا مَخَافَةٌ اَنْ يَضْطَرَّ فَاِذَا قَالَهَا مَرَّةً لَا يُعِيدُهَا عَلَيْهِ
 الْمَلَكُ اِلَّا اِنْ يَتَكَلَّمُ بِكَلَامٍ غَيْرِهَا كَذِ اِنِّي الْجَوْهَرُ النَّمِيرَةُ وَهَذَا
 التَّلْقِينُ مُسْتَحَبٌّ بِالْاِجْمَاعِ وَامَّا بَعْدَ الْمَوْتِ فَلَا يُلْفَنُ عِنْدَنَا
 فِي ظَاهِرِ الرَّوَايَةِ كَذَا فِي الْعَيْنِيِّ شَرْحِ الْهَدَايَةِ وَمَعْرَاجِ
 الدِّرَايَةِ وَنَحْنُ نَعْمَلُ بِهِمَا عِنْدَ الْمَوْتِ وَعِنْدَ الدَّفْنِ
 كَذَا فِي الْمَضْمُونَاتِ * انتہی و در مستطبی شمرح منبہ المصلی

آورده * وَيَلْقَى الشَّهَادَةَ بَانَ تَذَكُّرِ عَيْنِهِ لِيَمْتَدَّ كَرْدُونَ
 أَنْ يَوْمَ مَرَبِّهَا وَأَمَّا الْمُتَلَقِّينَ بَعْدَ الْكَفْرِ فَلَا يَوْمَ مَرَبِّهِ وَلَا
 يُنْهَى عَنْهُ * انتهی و خواندن نماز هول در کتب حدیث
 و فقه که معتبر و مضبوط اند از نظر نگاشته لیکن در بعضی
 و ظائف در سائل صوفیه نوشته اعدت و برای تمسک
 روایات حدیث و فقه کافی است و بر قول و فعل مشایخ
 صوفیه قوی جاری نمیشود چنانچه شیخ الاسلام هم در کشف
 الغطا نوشته و عادت مشایخ است که این نماز را مضاعف
 و فن پیش از مرد ر شب اول برای نجات میت از
 حداب میخوانند و آنرا صلاه الهول نامند * انتهی و باز گمردین
 نزد قبر بشمار چهل قدم بعد از دفن این مسئله هم در کتب
 فقه و حدیث یافته نمیشود که بر آن حکم امر و نهی جاری گردد
 ظاهر از قسم بدعت باشد و از طرف شارع علیه السلام
 تاکید شده است که از امور شرک و بدعت هر چیزی
 نماند * قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ أَجْلِ

فِي أَصْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهَوِّدْ * سَأَلَهُ سَيِّدُنَا *
 زيارت قبور زنان را هم جائز است چنانچه مردان را جائز
 شده است باین * جواب زیارت قبور مردان را جائز
 است بشرطیکه موافق سنت باشد نه زنان و سنت
 در زیارت قبور آنست که چون در مقابل گذر کنند بگویند
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ
 وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى بِكُمْ لَا حِقُونَ أَنْتُمْ لَنَا مَكَلَفٌ وَ
 نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ نَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلَكُمْ الْعَافِيَةَ * و بعد بگردن
 که در کتب حدیث آمده بخوانند و طالب مغفرت نمایند
 برای ایشان چنانچه در جامع البرکات نوشته که ذر عقاید
 آمده است که * فِي دُعَاءِ الْأَحْيَاءِ لِلْأَمْوَاتِ وَالصَّدَقَةِ
 عَلَيْهِمْ نَفْعٌ لَهُمْ * انتهى و در آنجا رفته عبرت گیرند و موت
 خود یاد کنند و آنچه خلاف سنت است بعل نیارند یعنی
 قبر را بوسه ندهند و درو بخاک نمانند و از اهل قبور طلب
 حاجت نه نمایند و سجده نکنند و دست بر آن نهند چنانچه ملا علی

تاری در شرح عین العلم آورده * وَلَا يُمْسُ أَيُّ الْقَبْرِ
وَلَا التَّابُوتُ وَلَا الْحِجْدُ رُقُودَ النَّهْيِ عَنْ مِثْلِ ذَلِكَ بِقَبْرِهِ
عَلَيْهِ السَّلَامُ كَلَيْفَ يَقْبُرَ رَسُولًا لَا نَامَ وَلَا يَقِيلُ فَإِنَّهُ
زِيَادَةٌ عَلَى الْمَسِّ فَهُوَ أَوْلَى بِالنَّهْيِ * انتهى و تفصیل ابن
امور در مسئله جهلم بیاید ان شاء الله تعالی و زانرا

زیارت قبور بقول اصح کمرده نخر بمی است چنانچه در
مسئله مرقوم است * وَتُشْتَبَّ زِيَارَةُ الْقَبْرِ لِلرَّجَالِ وَ
تُكْرَهُ لِلنِّسَاءِ * انتهى و در کتاب مجالس واعظیه میسرید
وَأَمَّا النِّسَاءُ فَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يُخْرُجْنَ إِلَى الْمَقَابِرِ لِمَا
رَوَى عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَعَنَ
زَوْرَاتِ الْقُبُورِ * انتهى و عن ابن عباس قال لعن رسول
الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زَوْرَاتِ الْقُبُورِ وَالْمُتَخَذِينَ
هَلِيهَا الْمَسَاجِدَ وَالْمَرْجُوحَاتِ فِي الْمَشْكُورَةِ * و در نصاب
الاحساب آمده که * سَمِلَ الْقَاضِي عَنْ جَوَازِ خُرُوجِ
النِّسَاءِ إِلَى الْمَقَابِرِ وَالتَّسَادُّ فِي مِثْلِ هَذَا فَقَالَ لَا تَسْأَلُ

هِنَ الْجَوَازِ وَالْقَصَادِ فِي مِثْلِ هَذَا إِنَّمَا تَسْأَلُ عَنْ مِقْدَارِ
 مَا يَلْعَنُهَا مِنَ الْبَلْعَيْنِ وَأَعْلَمُ أَنَّهَا كَلَّمَا نَوَتْ الشَّرَّ وَجَّ
 كَانَتْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَمَلَأَتْ لَعْنَتَهُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَإِذَا
 خَرَجَتْ تَلْعَنُهَا الشَّيَاطِينُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ وَإِذَا اتَتْ الْقَبْرَ
 يَلْعَنُهَا رُوحُ الْمَيِّتِ وَإِذَا رَجَعَتْ كَانَتْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ كَذَلِكَ
 حَتَّى تَعْرُدَ فِي الْحَدِيثِ أَيُّهَا امْرَأَةٌ خَرَجَتْ إِلَى الْمَقْبَرَةِ
 تَلْعَنُهَا مَلَائِكَةُ السَّمَوَاتِ السَّمِيعِ وَمَلَائِكَةُ الْأَرْضِينَ
 السَّمِيعِ فَتَمُوتُ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَإِيَّا امْرَأَةً دَعَتْ
 لِلْمَيِّتِ بِشَيْءٍ فِي بَيْتِهَا يَعْطِيهَا اللَّهُ تَعَالَى ثَوَابَ حِجَّةٍ وَصَوْمَةٍ
 وَرُوي عَنْ سَلْمَانَ وَأَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّهُ عَلَيْهِمَا الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
 فَجَاءَتْ يَوْمَ خُرُوجِ مِنَ الْمَسْجِدِ فَوَقَفَ عَلَى بَابِ دَارِهِ فَاتَتْ
 ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا فَقَالَ لَهَا مِنْ أَيْنَ جِئْتِ فَقَالَتْ
 خَرَجْتُ إِلَى مَنْزِلِ فُلَانَةَ الْبَتَّى مَاتَتْ فَقَالَ هَلْ ذَهَبَتْ
 قَبْرُهَا فَقَالَتْ نَعَى اللَّهُ أَنْ أَفْعَلَ شَيْئًا بَعْدَ مَا سَمِعْتُ مِنْكَ
 فَقَالَ لَوْ ذَهَبَتْ قَبْرُهَا لَمُتُّ رَجُلًا رَأَيْتُكَ الْجَنَّةَ * انتهى

و قاضی شمس الدین پتی در رساله مالابد آورده که زیارت
قبور مردان را جائز است نه زنان را * مستأله چهارم *
ماجت خواندن از اهل قبور بطریق دعا و طواف نمودن
و بوسه دادن و سجده کردن و گمزد قبر و روشنی کردن
و غلاف ها و شاییدن و چادر گل انداختن بر جنازه یا بر قبر
و خیره و شامیانه اسناده کردن بران و نذر کردن برای
غیر خدا و شیرینی و طعام نهادن پیش آن جائز است
یا نه * جواب استعانت و استمداد از اهل قبور
بهر نهج که باشد جائز نیست چنانچه شیخ عبدالحق در شرح
مشکوٰۃ شریف که بر زبان عربی نوشته می آرد * وَامَّا
الْاِسْتِمْدَادُ بِاَهْلِ الْقُبُورِ فِیْ غَیْرِ النَّبِیِّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ
وَسَلَّمَ وَالْاَنْبِیَاءِ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ فَقَدْ اُنْكَرَهُ کَثِیْرٌ مِّنَ
الْفَقَهَاءِ وَقَالُوْا لَیْسَ الزَّیَّارَةُ اِلَّا لِلْعَمَاءِ الْمَمُوْتِیْنَ وَ
الْاِسْتِغْفَارُ لَهُمْ وَایِصَالُ النِّفْعِ اِلَیْهِمْ بِاللُّعَاءِ
وَبِلَا وَیْلَ الْقُرْآنِ * انتهى از من عبارت شیخ علیه الرحمته

والغفر این چنان مستغفار و گمراه دیده که قبور انبیاء
 علیه السلام از ایشان حکیم که همانعت استجانت و
 استمداد است از اهل قبور مستثنی اند بملکات آنکه
 ایشان را در یرزخ حیات ابدی ثابت شده که دیگران
 را سوای شهداء فی سبیل الله ثابت نیست و
 حال آنکه حیات آنجا مثل حیات دنیا نیست بلکه احکام
 حیات دنیا دیگر است و احکام حیات آنجا دیگر بنا بران
 این استثناء در حق نمی آید و حق آنست که انکار فقهاء عام
 است از آنکه استمداد از قبور انبیاء کنند یا از قبور غیر
 ایشان هر جائز نیست چنانچه از عبارت دیگر کتب
 فقهاء که درین جواب ایراد کرده می شود واضح خواهد
 گردید منجمه آن صاحب مجمع البحار آورده * **مَنْ قَصَدَ**
لِزِيَارَةِ قُبُورِ الْأَنْبِيَاءِ وَالصَّالِحِينَ أَنْ يُصَلِّيَ عِنْدَ قُبُورِهِمْ
وَيَدْعُوَ عَنْهُمْ وَيَسْأَلُهُمُ الْخَوَائِجَ وَهَذَا لَا يُجْزِئُ عَنْهُ
أَحَدٌ مِنَ عُلَمَاءِ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّ ابْتِعَادَهُ وَطَلَبَ الْخَوَائِجَ

وَالْإِسْتِعَانَةَ حَقَّ الْمُرُوحَةِ أَنْتَنِي * وَقَالَ الْبَغْرِي فِي
 الْمَعَارِمِ يَقَالُ الْإِسْتِعَانَةُ تَرْجُحُ بِعَبْدِكَ وَالْغِيَاةُ الطَّاعَةُ
 مَعَ الْمَدْلَلِ وَالْخَضُّوعُ وَسُمِّيَ الْعَبْدُ عَبْدَ اللَّهِ لِتَنَهُ وَانْقِيَادِهِ
 يُقَالُ طَرِيقُ مَعْبُدِ أَيَّ مَدْلَلٍ انْتَهَى وَفِي الْحَدِيثِ
 عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ كُنْتُ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَسَلَّمَ يَوْمًا فَقَالَ يَا غُلَامُ احْفَظْ اللَّهَ يُحْفَظْكَ احْفَظْ اللَّهَ
 تَحْفَظْهُ تَجَاهَكَ وَإِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ وَإِذَا اسْتَعْنَيْتَ
 فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ وَاعْلَمْ أَنَّ الْأُمَّةَ لَوِ اجْتَمَعَتْ عَلَى أَنْ
 يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَنْفَعُوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ لَكَ وَ
 لَوِ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَضُرُّوكَ إِلَّا
 بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَقْلَامُ وَجُفَتِ الصُّحُفُ
 رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ كُلُّهُمَا فِي الْجَمْعِ * وَهُمْ عَمِينَ
 طَوَافِ نَمُودَن گمزدفیر جا نر نیست قبر نبی یا شد یا قبر ولی
 چنانچه ملا علی قاری در شرح مناسک نوشته * وَلَا يَطُوفُ
 إِلَّا لَا يَدُورُ حَوْلَ الْبَقْعَةِ الشَّرِيفَةِ لِأَنَّ الطَّوَافَ

مِنْ مَخْتَصَاتِ الْكَعْبَةِ الْمُنِيفَةِ فَيُحَرِّمُ حَوْلَ قَبْرِ
 الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْلِيَاءِ وَالْعَبِيدِ بِمَا يَفْعَلُهُ الْعَامَّةُ الْجَهْلَةُ
 وَتَوَكَّلُوا فِي صُورَةِ الْمَشَائِخِ وَالْعُلَمَاءِ * انتهى و نیز
 بوسه دادن بر قبر و سجده کردن و در دستن کردن
 نزد قبر جائز نیست چنانچه در کتاب شجره الايمان
 مرقوم است و گویا سجده کردن و بوسه دادن و بردن
 دست مالیدن و طواف کردن و از قبر حاجت طلبیدن
 و در قبرستان چراغها افروختن همه مکروه و تحریم است *
 انتهى و شیخ الاسلام در کشف الغطاء آورده که
 و هیئت نه نهد بر قبر و مسح نکند آن را و بوسه نهد و منحنی
 نشود و در بخاک نمالد که این عادت نصاری است
 و مشایخ در منبع آن شهید بسیار دارند * کذا فی عاقله
 الْكُتُبِ * انتهى و نیز پو شانیدن غلاف بر قبر درست
 نیست * کما فی نصاب الْأَحْتِمَابِ تَسْحِیْمَةُ الْقَبْرِ غَمِیرُ
 مَشْرُوعٍ أَصْلًا فِی حَقِّ الرِّجَالِ وَبَعْدَ تَعْوِیْهِ اللَّجْنِ فِی

حَقِّ النَّسَاءِ وَمَرَّ عَلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَنَمَّاهُ * أَنْتَهَى
 و همبرین قیاس انداختن کل و چادر گل بر قبر نقربا
 جائز نیست زیرا که تقرب الی غیر الله حرام
 و ممنوع است و چادر گل بر جنازه انداختن بدعت
 است و مکروه تخمریمی و نیز استاده کردن خیمه و شامیان
 بر قبر مکروه است چنانچه در شهر عنه الاسلام و غیره
 مرقوم است * و یکره ان یمشی علی القبر مستحجبا یصلی
 فیه و ان یضرب علیه فسطاطا ً اوقیه فیه و یسهطل القبور
 فَإِنَّمَا یُظَلُّ الْمَيِّتَ عَمَلُهُ * أَنْتَهَى و نذر کردن برای غیر
 خدا و شب بر نمی و طعام آوردن نزد قبر بطریق مذریا بطریق
 تقرب نیز جائز نیست بلکه بدعت و مکروه تخمریمی
 است و عادت کفار به نسبت بنان * قَالَ فِي الدُّرِّ الْمُخْتَارِ
 وَاعْلَمَنَّ أَنَّ الدُّرَّ الَّذِي يَقَعُ لِلْأَسْوَاتِ وَمَا يُؤْخَذُ مِنَ
 الدَّرَاهِمِ وَالشَّعْغِ وَالزَّيْتِ وَنَحْوِهَا إِلَى ضَرَائِحِ الْأَوْلِيَاءِ
 الْكَرَامِ تَقْرِيبًا إِلَيْهِمْ فَهُوَ بِالْإِجْمَاعِ بَاطِلٌ وَحَرَامٌ

مَا لَمْ يَصِدْ وَاصْرَفَهَا لِقَرَاءِ الْآثَامِ وَقَدْ ابْتُلِيَ
 النَّاسُ بِذَلِكَ وَلَا يَمُوتُ فِي تِلْكَ الْأَعْصَارِ وَقَدْ بَسَطَهُ
 الْعَلَّامَةُ قَاصِدَةً فِي شَرْحِ دُرِّ الْبَحَارِ وَلَيْدًا قَالَ الْأَمَامُ
 مُحَمَّدٌ تَوَكَّنَ الْعَرَامَ عَمِيدِي لَا عَقَّةَ لَهُمْ بِلَا وَلَا يُبِي وَذَلِكَ
 بِأَنَّهُمْ لَا يَعْقِلُونَ فَالْكَلُّ بِهِ يَغْتَبِرُونَ * انتهى ودر كشف
 الغطا آمده اما نذر بکه می کنند آنرا عوام پس می آید
 یکی بعضی از قبور صالحان و می گوید ای سید ما اگر قصدا کسی
 حاجت مزای پس برای تو این قدر از زریا طعام است
 در بحر الکراخی گفته که این نذر باطل است باجماع زیرا چه
 آن نذر مخلوق است و آن جائز نیست انتهى * وَفِي
 التَّحْدِيثِ لَا وَفَاءَ لِنَذْرِي مَعْصِيَةَ اللَّهِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ
 كَذَّابِي الْمَشْكُورَةِ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا
 وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ * خاتمه *
 در بیان آنکه آدمی را از مرگ گمراه نیست * قَالَ اللَّهُ
 تَعَالَى كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ * وبادجو آن کسی نمیداند

که از کجا خواهد خورد و کجا خواهد مرد * قَوْلُهُ تَعَالَى مَا تَدْرِي
 نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ
 إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ * نَا آنکه انبیاء و رسول درین باب
 بجزر کلمه لا اَدْرِی عرفی بر زبان نیاوردند * قَالَ رَسُولُ
 اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَاللَّهِ لَا اَدْرِی وَاللَّهِ لَا اَدْرِی
 وَانَا رَسُولُ اللَّهِ مَا يَفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ * پس
 درین صورت اهل ایمان را لازم است که در ادای
 حقوق مباحان حق مبادرت نمایند مبادا که ام وقت در
 پنجم اجل در آیند * قَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ
 فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِرُونَ * بدان ارشاد که الله
 تَعَالَى فِي الدَّارِ الْآخِرَةِ دُجِرَ است درین جهان که نبی آدم
 را خوش نمی آید بکی موت دیگری قلت مال * قَالَ اللَّهُ
 تَعَالَى عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ
 تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ *
 موت بهتر است برای آنکه در طول عمر رنج و بلا بیشتر

و قلت مال و محضر است برای آنکه در آن مواخذ
 حساب کنتر * قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 كُنْ فِي الدُّنْيَا كَمَا تَكُنْ فِي الْآخِرَةِ أَوْ عَابِرُ سَبِيلٍ وَعَدَّ نَفْسَكَ
 مِنْ أَهْلِ الْقَبْرِ * و سه چیز است که بعد مرگ همراه
 جنازه میت میرود از آنجه دو چیز باز میگردد و یک
 چیز رفیق وی باشد * يَقْبِضُ أَهْلُهُ وَمَالُهُ وَعَمَلُهُ فَيُرْجَعُ
 أَهْلُهُ وَمَالُهُ وَيَبْقَى عَمَلُهُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ذَنَّهُ يَفْعَلُ
 مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ *
 و چهار چیز است که بنده بغیر آن گنده یکی خانه برای
 سکونت دوم لباس برای سفر عورت سوم پرچ
 نان برای سبکین جان چهارم آب برای دفع عطش و
 تاب و چون روز قیامت شود از پنج چیز سوال کنند
 یکی از عمر که در چه کار بسر کرد دوم از شباب که در چه
 و چه ضایع کرد سوم از مال که از کجا جمع نمود چهارم
 از آنکه این مال را در کدام چیز خرج کرد پنجم از عمل بعد

موصول عالم * بیت * هر که هست از فقیر و پیر و مرید *

و ز زبان آوران پاک نفس * چون بد نیای دون فرد آید *

بعسل در باند همچو مگس * قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَسَلَّمَ اَتَمْتُمْ خَمْسًا قَبْلَ خَمْسٍ شَبَابَكَ قَبْلَ هَوَاكَ وَ

صِحَّتَكَ قَبْلَ سَقَمِكَ وَغِنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ وَفَرَاغَكَ قَبْلَ

شُغْلِكَ وَحَيَاتِكَ قَبْلَ مَوْتِكَ * حاصل نحریر آنکه هر کرا

بعد ایمان عمل صالح نصیب شد و تا آخر عمر بر این مواظب

ماند دجان شیرین خود را بوقت خاتمه بر کلمه شویجد بجان

آفرین سپرد داخل بهشت خواهد شد * قَالَ عَلَيْهِ

الصلوة والسلام مَنْ كَانَ آخِرُ كَلَامِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ

الْجَنَّةَ * زیرا که اعمال صالحه بدون ایمان و اسلام بکار

نخواهند آمد چنانچه در حدیث شریف آمده که چون روز

قیامت شود اعمال بنده مؤمن نزد یک پروردگار

بیایند پس نماز بیاید و بگوید که من نمازم الله تعالی فرماید

که تو بر خرد بگی هستی باز زکوة بیاید بگوید که من زکونم

هر روزگار فرمود که تو بر خرد نیکی هستی پس روزی بهیاید
 و بگوید که من روزی که حق تعالی فرماید که تو بر خرد نیکی
 هستی پس دیگر اعمال بیایند بهمین پنج و پروردگار
 عالم فرماید که شایسته خرد نیکی هستی بعد از همه اسلام
 بیاید و بگوید که ای پروردگار من تو سلام هستی و من
 اسلام ام پس فرماید خدا تعالی که تو بر خرد نیکی
 هستی امروز بسبب تو مواخذه کنم و برای تو
 به بخشیم بعد ازین بیان آن حضرت صلی الله علیه و سلم این آیت
 را تلاوت فرمود * فَمَنْ يُؤِدِّ اللَّهَ أَنْ يُهْلِكَ يَهْدِيَهُ يَشْرَحُ
 رِجْلَهُ وَهُوَ لِلْإِسْلَامِ * و مسلمان کامل آنست که در هر
 امور دنیا و آخرت سنت پیغمبر خدا صلی الله علیه
 و سلم را پیش نظر دارد و هیچ گاه که ام مسلمان را
 ناحق از دست و زبان تکلیف ندهد * قَالَ رَسُولُ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُسْلِمُ مَنْ مَلَكَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ
 لِهَانِهِ وَيَدِهِ * پس اتباع جنت آن حضرت

صلی الله علیه و سلم فرض و واجب است در ظاهر و
 باطن و اتباع طریق آن حضرت صلی الله علیه و سلم
 شمره محبت است با خدا * قَالَ اللَّهُ تَعَالَى قُلْ إِنْ كُنْتُمْ
 تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ * و ناد قتی که محبت
 خدا و محبت آن حضرت صلی الله علیه و سلم از محبت
 دیگران را هیچ نگردد مذاق ایمان نباید * كَمَا قَالَ
 وَهُوَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ كُنْ فِيهِ
 وَجَدَ بَيْنَ حَلَاةِ الْإِيمَانِ مَنْ كَانَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ أَحَبَّ
 إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا وَمَنْ أَحَبَّ عَمِلَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اللَّهُ وَمَنْ
 يَكْرَهُ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ بَعْدَ أَنْ أَنْقَلَبَ إِلَى اللَّهِ مِنْهُ
 كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ * و حق هر مسلمان بر
 دیگر مسلمانان آنست که چون با هم ملاقات شود
 سلام و کلام و طعام پیشش آیند و چون کسی از نظر
 غایب شود پس پشت وی بنخیر خواهی گرا آیند و از
 حد و کنیه و دشنام وی را یاد نکنند و عیب او را عیب

خود دانند بر این مائیکه * الْمُؤْمِنُ مِنَ مِرَاةِ الْمُؤْمِنِ *
 آمده و نیز از غیبت هر برادر مسلمان اخراج نماید چه *
 الْغَيْبَةُ أَشَدُّ مِنَ الزَّوَارِ * و او شده مگر غیبت مع
 کس جائز است با دشاه ظالم و فاسق معین و
 مبتدع زیرا که بیان حال ایشان سبب عبرت
 است برای دیگران چنانچه در کتاب ابن ابی الدینا
 حدیثی مرسل بر دایت حسن بصری از علی مرتضی
 رضی الله عنه در ضمن بیان مدت غیبت آمده که *
 ثَلَاثَةٌ لَا يَحْرُمُ عَلَيْكَ اعْوَاظُهُمُ الْهَجْرُ بِالْفِسْقِ وَلَا الْأَمَامِ
 الْبَيَّاتُ وَالْمُبْتَدِعُ * و در ریاض العالچین و غیره غیبت
 دیگران زیاده از سه کس نیز جائز داشته و الله
 اعلم و تا مقدر از خبر خواجی برادران دینی دریغ نه نمایند
 که آن عین دین است قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَسَلَّمَ أَلَّا يَنْ النَّصِيحَةَ * و در عیب پوشی ایشان
 : کوشند و اگر اجابا بسبب بعضی معاملات دنیاوی

با هم شکر رنجی واقع گردد از همه روز زیاده تر است سلام
و کلام رواندارند و بهترین ایشان کسی است که بعد

که در تائبان اسلام کرده ملاقات نماید و گاهی ویرا
به نظر حقارت نه بیند و تمسخر نکند * قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُوا قَوْمًا مِّنْ قَوْمٍ عَصَىٰ إِن يَكُونُوا
خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءً مِّنْ نِّسَاءٍ عَصَىٰ إِن يَكُنَّ خَيْرًا
مِّنْهُنَّ * و برای کسانی که مقتدایان دین و پیشوایان

اهل یقین بودند دعای مغفرت کنند چنانچه کاتب -
الحمد و فیروز این رساله را بر این دعا ختم می کند *
* رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ
وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ

محمد اسحق ۱۲۲۹ | رؤف الرحیم | سید محبوب علی جعفری ۱۲۲۷ |

الْأَجْرُ بِصِحَّةٍ وَالذَّلِيلُ قَوِيَّةٌ وَالْعَمَلُ عَلَيْهِمْ أَمَنَةٌ

عبارت دستخطی مولانا محمد اسحق صاحب محدث

و همای زاده بر کاتبه که بر خاتمه منقول عنه نوشته بود

بقدره نوشتن می شود از محمد اسحق بن محمد خاندان صاحب
 محمد خان زمان خان صاحب بعد سلام مسنون اسلام
 مکشوف باد که بنده بسبب بیماری و کثرت اشتیاق
 طبایع عالم فرصت تحریر و اجابت طول و طویل نمیداشت
 لیکن بجهت حسن سعی مولوی صاحب سید امین الدین
 احمد صاحب بانجام رسید و من ادله الی آخره مکرر
 در نظرم گذشت ^{تصحیح} نموده شد فقط *
 وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَوَّلًا وَآخِرًا وَهَلْیَ مِنْ لَدُنْکُمْ ثَانِیًا
 الحمد لله که این نسخه منبر که بتاریخ نهم شهر ربیع الثانی
 روز جمعه سنه ۱۲۵۸ هجری علی صاحبها الف الف نجاته
 و سلام حایه طبع مدبر پرفت و به تصحیح مولوی سید یار علی
 صاحب بر دلوی ثم الدهاوی زاد عنایت که یکی از المبد
 هر تبر خاں مولانا صاحب موصوف اند و باهتمام فقیر
 حقیر فصل الحق و ظهیر اعلی عنی الله تعالی عنه مطبوع
 گشت و نیز ان شاء الله تعالی که این رساله بر زبان اردو
 مصرع است برای نفع خاص و عام عقب مطبوع خواهد شد

* و آخر ذموا ان الحمد لله رب العالمين *

فهرس و حاله اربعين قی بیان سنته سید المرسلین علی

الله علیه و علی آله و سلم

* مقدمه * در بیان آنکه بر همه مسلمانان لازم و واجب است که سنت آن حضرت صلی الله علیه و سلم و سنت خلفاء راشدین و طریقہ ائمه مجتهدین را که در کتب معتبره اهل سنت و جماعت موجود اند دریافت نمود و در شادی و غمی جاری نمایند و از ملامت هر لائم پاک ندارند ۴

مسئله اول وقت تولد طفل که در هر دو گوش دی اذان و اقامت می دهند واجب است یا سنت یا مستحب و اگر نامش محمد یا احمد بپسند در سنت است یا نه ۵

مسئله دوم موزن را که در گوش پسر یا دختر اذان میدهد شیر نبی یا نقد دادن جائز است یا نه ۶

مسئله سوم بعد تولد شدن پسر در سوره احت که حجام با هایل قرابت بپولود مبارک باد می دهد و ایشان بمقامه آن حجام را چیزی از قسم پاره و نقدی می دهند

۱۱

آمین و سنو بجائز است یانه

مسئله چهارم رسم چهل و چک که در هندستان مردج

۱۲

است جائز است یانه

مسئله پنجم عقیقه مولود و زه فتنم اگر یکده ام عذر شدن نتواند

تا چند مدت جائز است و هم بیان وزن کردن موی سر

طنبل از نقره و طلا و طریق تقدیم گوشت عقیقه و شکستن

۳

استخوان آن و غیره

مسئله ششم کتاب اطفال که در عمر پنهانی حال و

چهار ماه و چهار روز و چهار گهری مقرر کرده اند اصلش

۱۶

چهارت جائز است یانه

مسئله هفتم تقدیم شیرینی و طعام بعد گداز و مردمان

۱۸

برادری جائز است یانه

مسئله هشتم در خنده طفلان و در گوشت واره دختران و بیان

تقدیم شیرینی و طعام که می کنند جائز است یانه ۱۹

مسئله نهم دقت خنده طفلان را نوشاندن و دای مسکرو

جنازه بین در دست و پایی مغیر از ذکوز جائز است یانه ۲۰

مسئله دهم پوشانیدن زبور و حریر با طفلان مغار و اگر زنان

بی اجازت شوهر آن پوشانند در ستاعت بانه ۲۱

مسئله یازدهم دست و دست که جهت مقصر ساختن بوم

نکاح النج ۲۳

مسئله دوازدهم ساختن طعام و لیمه النج ایضا

مسئله سیزدهم و هجدهم دست که چند روز قبل از نکاح محظوبه

و ادر مکان طهره می نشانند دهم بیان رسم نونه و غیره ۲۶

مسئله چهاردهم وقت رخصت شدن مردمان بر ادوی نوشه

را بطریق سلامی و جزئی میدهند دهم چنین فردوس را ابن

و رسوم جائز است یا نه ۲۷

مسئله پانزدهم رسم است که در شادی پسریاد خرنامی

نهال دی از قسم نقدی و پارچه و زبور همراهِ آورده

میدهند النج جائز است یا نه ۲۸

مسئله شانزدهم نوشه را بدون حاجت غسل دادن و لباس

معدید یا رنگین موای گل معوضه پوشانیده در برات سوار

که دن اگر چه خانه غردوس قریب باشد دهم گشت دادن

مسئله هفدهم وقت پوشانیدن لباس نوشته را جمیع حاضرین

بر اداری حجام را چیر می میدهند در سنت است یانه ۳۲

مسئله هیجدهم روز شافق بهتر رنمودن و ارسال نقل و

جوره و غیره بخانه عروس و نیز رسم خوانندگی از جانب

عروس و غیره در سنت است یانه ایضا

مسئله نوزدهم سهره و مارگل که بر سر نوشته و عروس

می بندند در سنت است یانه و نیز بستن گنگنه در سنت

خاطب و مخطوبه جائز است یانه ۳۶

مسئله بیستم در سواری برات نقاره نواختن برای اعلان

نکاح جائز است یانه ۴۱

مسئله بیست و یکم در عروسی و غیره سر کردن آتش

بازی قلیان یا کثیر حائر است یانه ۴۴

مسئله بیست و دوم وقت رسیدن نوشته عروس لباس

حنایی از خانه خسر می پوشد الخ ایضا

مسئله بیست و نهم بعد نکاح بقاضی و دیگران و شاهان که

از طرف عروس می آیند بخوشی خود بدون مطالبه ایشان چیزی

دادن جائز است یا نه در بیان خطبه نکاح و غیره ۴۶

مسئله بیست و چهارم وقت ایجاب و قبول معمول است که

قصاصات این دیار اول ایجاب و قبول کلام طیب و آمنت بالله

و دعا و قنوت و غیره میخواهند مننون است یا نه و ایجاب و

قبول یک بار گفتن کافی است یا نه و قبل از ایجاب و قبول

متوالی نکاح را خواندن خطبه صحت است یا بعد از آن و کدام

خطبه خواندن مننون است ۵۱

مسئله بیست و پنجم اگر شخصی از جانب خاطب یا از طرف

مخطوبه مرد بگردد یا بگوید که مایان را از رسومات مردجه ایندیار

چاره نیست موافق شمرع باشند یا نه انحراف ۵۷

مسئله بیست و هشتم سرودن نمودن و منیها با وف در محفل

زنان و چیزی نقد و پارچه دادن بآنها جائز است یا نه ۶۲

مسئله بیست و نهم وقت رخصت شدن برات حسب

مقدور برای دادن کعبه نان الحج ۶۵

مسئله بیست و دهم وقت رخصت شدن برت نفرا از قوم

مهلانان و هندو که جمع میشو ند پیزی با ایشان دادن جائز

۶۶

احث یانه

بر سینه بست و نهم جزئی نقد و فله و نان بر ای تقسیم محتاجان

۶۷

همراه جنازه بردن در است است یانه

بر سینه سی ام ثواب عبادت بدنی و مالی بر ای میت

۶۸

بعد وفات میرسد یانه

بر سینه سی و یکم دستور است که بعد وفات اهل قرابت

میت و غیره طعام بخانه وی میدهند الخ جائز است یانه

۷۰

بر سینه سی و دوم در تعزیت میت و فتن الخ

۷۱

بر سینه سی و سوم جهت تعزیت تا چند روز بخانه میت

۷۲

و فتن جائز است یانه

بر سینه سی و چهارم دستور است که بروز سوم مردمان جمع

۷۳

شده کلمه طیب و هوره اخلاص خوانده بر میت بخشد الخ

۷۴

بر سینه سی و پنجم دستور است که حفاظ را نوکر داشته زمین

۷۵

قبر میسازند الخ

بر سینه سی و ششم روز بیان روز عرض و تقسیم طعام در آن

روز بطریق بهاجی دهم مشهور است که شب جمعه و غیره

روح میت بخانه خود آمده الخ ۸۹

مسئله ششم و هفتم قبر چهار دیواری و گنبد از خشت و چونه

تعمیر ساختن الخ ۸۱

مسئله ششم و هشتم در بیان خواندن نماز جنازه بر چهارپائی و خواندن

کلمه طیب بطریق چهار یا خفیه همراه جنازه و گستر دادن

فرش زیر میت : در قبر و تقیین میت بعد موت و خواندن نماز هول

و بشمار چهل قدم رفته بارگرددن نزد قبر بعد از دفن جائز است بانه ۸۳

مسئله ششم و نهم زیارت قبور زنان اجازت است چنانچه مردانرا بانه ۸۹

مسئله ششم و نهم حاجت خواستن از اهل قبل و طواف نمودن

و بوسه دادن و سجده کردن و گمرقبر روشن کردن و خلاص

پوشانیدن و چادر گل انداختن بر جنازه یا بر قبر و خیره و شامیان

استاده کردن و نذر کردن برای غیر خدا شیرینی و غیره

نهادن پیش آن جائز است بانه ۹۲

* خاتمه * در بیان آنکه آدمی را از مرگ گریز نیست الخ ۹۷



